

۳۰۲



نگاهی به زندگی و آثار پرویز مقصدی  
ملودی ساز یگانه اما مهجور ۵۴



به بهانه روز بزرگداشت حکیم ابوالقاسم فردوسی  
این زبان مظلوم فارسی ۱۱۱۵

حوالی خیابان محبوب

چرایی نخبه‌زدایی

Ayatmandegar  
biweekly



مهدی توکلی تیریزی  
داستان نویسی ۶



محمد آقازاده  
روزنامه‌نگار ۹

# آیت ماندگار

www.ayatmandegar.ir

دو هفته نامه سیاسی، اجتماعی | شماره ۹۴ | نیمه اول اردیبهشت ۱۳۹۹ | سال ششم | ۱۲ صفحه | قیمت ۱۰۰۰ تومان | No.94 Second of April 2020 | Political, Social

در کنفرانس مجازی «فقر و اخلاق فرهنگی مدرن» مطرح شد

## شبح کرونا بر سر فقرا!

۷



نقدی پیرامون تعدیل و اخراج کارکنان کانون جهانگردی و اتومبیل‌رانی

امنیت شغلی کجاست؟ ۹۶۸

سرمقاله  
کودکن کار را در خانه دریابیم  
رضا تاجگر  
استاد دانشگاه ۱۲

Esfand





## تحلیلی پیرامون آینده متفاوت فعالان اصلاح طلب با جریان اصلاحات

# خط غیرمردمی‌ها!

هرگز و در هیچ‌جای تاریخ، اصلاح‌طلبی حقیقی و نه فرمالیته، بدون شجاعت‌ورزی و کنار گذاشتن تعارف و اعلام روشن و صریح اینکه قصد دارند چه چیزهایی را به چه شیوه‌هایی اصلاح کنند و مواضع خود را صریح و شفاف و بدون ترس در برابر سئوالات مردم روشن نکنند، اصلاح طلب نخواهند بود. عملگرایی بدیهی‌ترین شرط اصلاح‌طلبی در زمانی است که بخشی از قدرت انتخابی حکومت در اختیار آنان قرار می‌گیرد نه اینکه پیش از انتخابات حرف‌های موردپسند جامعه تشنه اصلاحات زده شود و پس از کسب کرسی قدرت تمام آن شعارها به فراموشی سپرده شود و در جواب مردم معترض به آن‌ها بگویند همین است! رای دادید خودتان خواستید باید تحمل کنید!

اصلاح طلب واقعی مردم را نامحرم نمی‌داند و اگر نتوانست به عهد خویش با ۲۳ میلیون مردمی که به وی رای دادند عمل کند، دلایل آن را روشن و واضح با مردم در میان می‌گذارد و وقتی دریافت که حقیقتاً نمی‌تواند کاری کند به احترام مردمی که قدرت خویش را توسط رای آنان به‌دست آورده، استعفا داده و کنار می‌رود.

بزرگ‌ترین دستاورد دولت تدبیر و امید مورد حمایت «اصلاح طلبان» این است که در سال ۱۳۹۲، دولت را با دلار ۳۵۰۰ تومانی تحویل گرفت و امروز که هنوز یک‌سال به پایان دولتش مانده، قیمت دلار را به ۱۶ هزار تومان و قیمت پراید ۱۵ میلیونی سال ۹۲ را به مرز ۱۰۰ میلیون تومان در سال ۹۹ رسانده، یعنی ۳۰۰ درصد سقوط ارزش پول و سرمایه و دزایی‌های ملت! و حال با حذف صفرهای پول بی‌ارزش شده دنبال کلاه گذاشتن بر سر خویش است که بگوید قیمت دلار از ۱۷ هزار تومان تبدیل به ۱۷ تومان شد! شاه‌بیت دولت مورد حمایت اصلاح طلبان در مورد حوادث تلخ آبان و سرنگونی هواپیمایی اوکراینی جمله «من نمی‌دانستم» است! فاجعه‌هایی

صلاحیت و مشروعیت خود برای این جایگاه را از دست داده‌اند. بزرگ‌ترین سرمایه‌های این جناح و کاریزما تیک‌ترین چهره‌های این جناح در نزد مردم زیر شدیدترین انتقادات هستند و بخشی از مسئولیت وضعیت کنونی کشور را به عهده آنان می‌دانند. رییس دولت اصلاحات از مردم خواست تکرار کنند و مردم هم اجابت کردند، اما ایشان دیگر هیچ احساس مسئولیتی در قبال دعوت خود از میلیون‌ها نفر افراد جامعه نکردند تا این ویدیوی اخیر ایشان در فضای مجازی که از اصلاح طلبان انتقاد می‌کنند آن هم بعد از هفت سال که بیشتر شبیه به نوش دارویی بعد از مرگ سهراب است!

انتظار مردم بر این بود که اصلاح طلبان و این چهره‌های شاخص، خط خود را از مردم جدا نمی‌کردند و از کسانی که در دولت و مجلس زیر پرچم تدبیر و امید رای آوردند، ولی به عهد خود با مردم وفادار نماندند، علناً اعلام برائت جسته و ابراز پشیمانی و عذرخواهی از مردم می‌کردند. اما آنان چه کردند؟ دست از احیای قلبی - عروقی اصلاح طلبان مرده بکشید و اجازه دهید اصلاح طلبان حقیقی زنده، پرچم اصلاحات را به‌دست گیرند، شاید مجدداً مردم به آنان اقبالی نشان دهند و هنوز امیدی به اصلاحات واقعی باقی مانده باشد. حتی کسانی که در توجیه عملکرد جناح میانه و اصلاح طلبان می‌گویند کاندیداهای مجلس برای اصلاح طلبان اجاره‌ای و کرایه‌ای بودند، اصلاح طلب واقعی نبودند و متوجه نیستند که عذر بدتر از گناه می‌آورند! معنی تحت‌اللفظی سخنان ایشان این است که برای سوار شدن مجدد بر قطار قدرت در حاکمیت حاضر شدند عده‌ای را به نام اصلاح طلب به مردم قالب کنند و با بلیت جعلی سوار، اجازه سوار شدن بر قطار قدرت را از مردم بگیرند و این یعنی اولین کسانی که اصالت اصلاح‌طلبی و تفکر اصلاح‌طلبی را قربانی کردند خودشان بودند نه نعره‌سوز و نودامادهای اجاره‌ای!

افرادی که اکنون دست از عملیات احیای قلبی - ریوی اصلاح طلبان مرده‌ای که پایه آنان در سال ۷۶ و به‌دست رییس دولت اصلاحات بنا



امیرحسین امیرفرهاد  
روزنامه‌نگار

شد، نمی‌کشند، دچار تفکر اصولگرایی در چهارچوب اصلاح‌طلبی شدند و احتمالاً اصلاح‌طلبی را با مرید و مراد بازی اشتباه گرفتند و نمی‌خواهند تغییر و تحولی که در شکل و فرم اصلاح‌طلبی جامعه رخ داده را بپذیرند و شاید هم از آن می‌ترسند.

کسانی که نام اصلاح طلب در این جبهه بر خود گذاشته‌اند، از مردم خواهان اصلاحات عقب‌افتاده‌اند و قافیه را به تمایل برای حفظ وضعیت موجود در قالب نواصولگرایی باخته‌اند. نگاهی ساده به تشابه سخنان رییس‌جمهور روحانی با سخنان رییس‌جمهور احمدی‌نژاد در سال پایانی دولتش، آشکار می‌کند که دست‌انداختن به سیاست‌های عوام‌گرایانه می‌تواند چپ و راست نشناسد و مثل ویروس کرونا هر فردی را مبتلا کند. کافی است از آنچه در بطن جامعه و بر مردم می‌گذرد و برایشان قابل لمس است به نفع حفظ صندلی قدرت چندروزه، فاصله گیرند.

چندین واکنش و موضع‌گیری رییس دولت اصلاحات گویای واقعیت تلخی است که آش آن قدر شور گردیده که آشپز هم فهمیده! او نیز متوجه نابودی سرمایه اجتماعی جناح میانه و اصلاح طلب شده است. مرگ یک جناح سیاسی نیز زمانی فرا می‌رسد که دیگر در جامعه سرمایه اجتماعی نداشته باشد.

اصلاح طلبان و میانه‌روها تبدیل به چهره‌هایی کسالت‌بار شده‌اند که با واکنش‌ها و حرف‌های خسته‌کننده همیشگی دیگر مردم را عصبانی می‌کنند و خود را در جامعه به تمسخر می‌گیرند. مردم دیگر نه تنها این شیوه سیاست‌ورزی اصلاح‌طلبی را مختومه می‌دانند، بلکه پرونده اکثریت قریب به اتفاق چهره‌های این جناح را نیز بسته‌اند. خلاصه کلام اینکه عمر اصلاح‌طلبی کنونی آسمان سیاست ایران منتضی شده است.

واقعیت این است که اکثریت آن دسته افرادی که از سال ۱۳۷۶ تا امروز به‌عنوان «اصلاح طلبان» شناخته می‌شدند از سوی اکثریت مردم اصلاح طلب و خواهان تغییر و تحول و اصلاح امورات کشور، وجاهت و





چنین مطالبی را دریافتند که مایل نیستند دولت روحانی بیش از این زمین بخورد و یا در انتقاد به عملکرد شورای نگهبان در انتخابات اخیر مجلس لب به اعتراض گشودند.

با پایان یافتن دوران حیات سیاسی اصلاح طلبان امروزی، احتمالاً فضا برای تولد اصلاح طلبی واقعی باز خواهد شد که ویژگی‌های اصلی آنان وفاداری به عهد خود با مردم، نامحرم‌ندانستن مردم، عملگرایی و تحول خواهی خواهد بود.

کسانی که از گور «اصلاح طلبان» امروز در جناح چپ سپهر سیاسی ایران بر خواهند خواست می‌دانند که دیگر باید نماینده انتخابی مردم در حاکمیت باشند نه اینکه برای نماینده بودن حاکمیت در بر مردم، از مردم به دنبال رای باشند و احتمال قریب به یقین خواهند دانست که نان استراتژی انتخاب بین بد و بدتر از سوی مردم آجر شده است.



سکوت است! احزاب و تشکل‌های اصلاح طلب که شعارهای مردم خواهان اصلاحات و تغییر را در گردهمایی‌های انتخاباتی ریاست جمهوری سال‌های ۹۲ و ۹۴ را به وضوح می‌شنیدند، در بطن جامعه رفت و آمد دارند، نه تنها عوامل انتخابی خود در حکومت را آگاه و تحت فشار نگذاشتند، بلکه گاه پیکان انتقاد را به سوی مردم گرفتند! کارکرد احزاب و تشکل‌های اصلاح طلب چه بوده که آقایان سنگ اصلاح طلبی به سینه می‌زنند و اصرار دارند که اصلاح طلب نامیده شوند در حالی که عملکرد ناصولگرایانه دارند؟ اصلاح طلبی بی‌هزینه نیست، اصلاح طلب بودن به معنی واقعی کلمه، نیاز به شهامت و شجاعت دارد که بی‌پروا و بدون تعارف حرف و خواست مردم را از بلندگوی حاکمیت با صدای رسا بگوید و از فشار و تهدید و هوشدن‌ها نترسد و حتی خود را آماده مرگ در راه تحقق عهد خود با مردم کند. چیزی که شاید روزگاری اصلاح طلبانی که امروز نقش مرده‌های متحرک سیاسی را بازی می‌کنند به آن تن داده بودند، اما قریب به یک دهه است که دیگر حاضر به پرداخته هزینه نشدند.

رییس دولت اصلاحات و تمام چهره‌های اطرافشان چه بخواهند و چه نخواهند در عملکرد فضاحت‌بار کسانی که به نام اصلاح طلب و میانه‌رو از سال ۱۳۹۲ و تحت حمایت ایشان از مردم رای گرفتند، شریک هستند. چهره‌های اصلاح طلب در عرصه سیاسی نمی‌توانند تابلو اصلاح طلب به دست بگیرند، اما عملکرد ناصولگرایانه داشته باشند. شعارهای کلی نامفهوم و فقط زیبا بدهند در حالی که در عمل سکوت کنند و نقش تماشاچی داشته باشند. نتیجه چنین رفتاری، نابودی پشتوانه مردمی و فروپاشی جناح اصلاح طلبان بود.

در هیچ جامعه‌ای خواست و نیاز مردم به اصلاحات واقعی نه تنها از بین نمی‌رود، بلکه این تمایل به حفظ وضع موجود و تن‌ندان به اصلاحات است که مخصوصاً در جهان پسا کرنا محکوم به نابودی است.

اصولگرایی که از این وضع پیش آمده برای اصلاح طلبان خوشحالدند نمی‌دانند که در درجه اول، ریزش میلیونی آرای متعلق به اصلاح طلبان به جیب آنان نخواهد رفت و فروپاشی این پایگاه اجتماعی در پشت اصولگرایان تجمیع نخواهد شد و از سوی دیگر اضمحلال و نابودی رقیب دیرین و سنتی‌شان منجر به تولد رقیبی جدید و سرسخت خواهد شد که آنان را نیز حذف خواهد کرد. احتمالاً بعضی از اصولگرایان آن قدر باهوش هستند و

که حتی می‌توانست در هر جای دیگر جهان منجر به استعفاء، استیضاح و برکناری شخص رییس دولت شود، اما در اینجا با سکوت اصلاح طلبان مواجه شد.

مجتبی ذوالنور که نماینده تندترین بخش اصولگرایان است در مورد حوادث آبان‌ماه و در دفاع از وزیر کشور می‌گوید من به‌عنوان عضوی از کمیسیون امنیت ملی می‌گویم وزیر کشور نقشی در کشتار آبان‌ماه نداشت و دستورات مستقیم رییس جمهور و رییس شورای عالی امنیت ملی را اجرا کرده است! و این در حالی است که اصلاح طلبان از خم به ابرو آوردن در مواجهه با سیاست‌ها و رفتار دولت پرهیز می‌کنند.

سیاستی و کاری نمانده که آقایان در دولت تدبیر و امید در دولت احمدی‌نژاد مسخره و بمباران نکرده باشند و امروز خود بدتر از آن نکرده باشند. کافی است به مناظره‌ها و سخنان انتخاباتی ریاست جمهوری آقایان روحانی و جهانگیری در سال‌های ۹۲ و ۹۶ توجه کنید و با آنچه انجام داده و می‌دهند و می‌گویند، مقایسه کنید!

اصلاح طلبان باید به این پرسش پاسخ دهند که آیا آقایان روحانی و جهانگیری هم کاندیداهای اجاره‌ای بودند؟

مواضعی از دولت که اصلاح طلبان با سکوت آن را تایید می‌کنند مانند این سخن رییس دولت است که هر فردی می‌گوید وضع کشور در بحران کرونا و اقتصاد... خراب است عامل دشمن خارج‌نشین است یا شاهکار جدید وزرات بهداشت در قانون الزام رضایت همسر برای داوطلبان آزمون دستیاری دندان پزشکی یا حرف‌های وزیر کشور در مورد برخورد با رسانه‌هایی که وضعیت بورس را مورد انتقاد قرار می‌دهند، هرگز از کارنامه و تاریخ اصلاح طلبان پاک نخواهد شد و این سؤال بزرگ را از خود به یادگار می‌گذارند که برای چه در برابر چنین مواضع ناصولگرایانه دولتی که تحت حمایت شماس، سکوت کردید؟ متأسفانه اصلاح طلبان فکر می‌کنند که فردا روز که دولت روحانی رفت، با کوبیدن دولت پایان‌رفته مجدداً می‌توانند آبرویی برای خود دست و پا کنند و همین نشانه اضمحلال اصالت اصلاح طلبی آنان است که دیگر قابل جبران نیست و همین سیاست‌های خوردن نان به نرخ روز فاتحه‌شان را در جامعه خواند.

فخر فراکسیون بزرگ امید مورد حمایت جبهه‌ها و احزاب و کمیته‌های اصلاح طلبان به‌جز یکی، دو نفر از نمایندگان این فراکسیون در مجلس، روزه

معرفی کتاب

## دُرْغَلطَان

دیوان اشعار مرحوم آیت‌آ... العظمی حاج شیخ محمدحسین آیتی بیرجندی، متخلص به «ضیاءالدین» در اسفندماه سال ۱۳۴۶ هجری شمسی توسط انتشارات دانشگاه تهران با نام «دُرْغَلطَان» به چاپ رسیده است.

این اثر مشتمل بر مقدمه، قصاید، مراثی، غزلیات، مسمّطات، رباعیات، مثنوی‌ها و قصائدالعربییه می‌باشد؛ که در ۲۴۶ صفحه و با قطع وزیری منتشر شده و در اختیار ادیبان، عالمان و علاقه‌مندان شعر، فرهنگ و ادب ایرانی - اسلامی قرار گرفته است.

مولف، در مقدمه اثر، تغزل و تشبیب بر «می» و «معشوق» را در اشعار، ناظر به مقامات عالیه و مبادی سامیه می‌داند و مراد او از «جام»، قلب مستعد، و از «می» افاضات غیبی است که

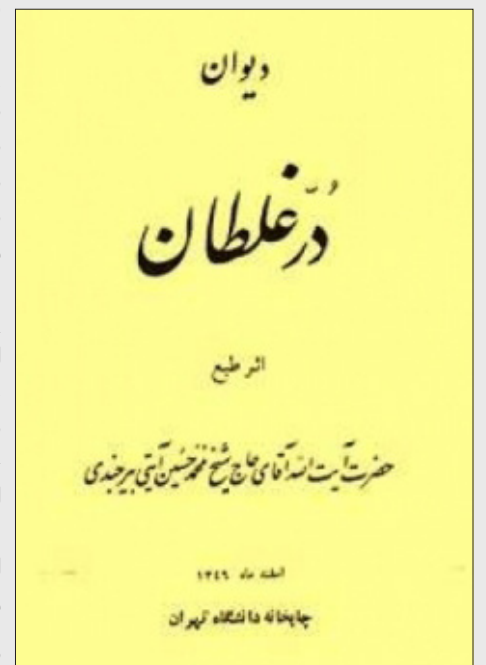
مبدا فیض، در قلوب پاک می‌ریزد. در شرح احوال مولف می‌خوانیم که، پدران ضیاءالدین محمدحسین بن شیخ محمدباقر، پیوسته اهل فضل و سداد و علم و اجتهاد بوده‌اند.

سیاحت از قفقاز، تفلیس، روم، ترکیه، شامات، عراق و عربستان، و تلمذ از محضر استادان بزرگ معارف اسلامی در نجف و اصفهان در شرح زندگی پربرکت ایشان آمده است.

ایشان به درجه اجتهاد از محضر آیات عظام، اصفهانی، عراقی، اصطهباناتی، شیخ محمدکاظم شیرازی، و آیت‌آ... حائری نائل آمده است.

از دیگر آثار این عالم وارسته می‌توان به کتاب «بهارستان در تاریخ قهستان» اشاره کرد که در مجالی دیگر به مخاطبان عزیز معرفی خواهد شد.

طوبی له و حُسن مآب



## خدمات مجموعه فرهنگی - مذهبی آیت‌آ... آیتی

مجموعه فرهنگی - مذهبی آیت‌آ... آیتی شامل مسجد، حسینیه، کتابخانه عمومی، دفتر حوزه علمیه و مراجعات مردمی است.

### برنامه‌ها و خدمات این مجموعه عبارتند از:

- ✓ نماز جماعت
- ✓ سخنرانی‌های مذهبی
- ✓ برگزاری مجالس ترحیم
- ✓ برگزاری مجالس و کلاس‌های حج و زیارت
- ✓ تدریس معارف دینی
- ✓ پاسخ به سوالات شرعی و استخاره
- ✓ حل و فصل اختلافات و مشاوره مذهبی و اجتماعی
- ✓ اخذ وجوهات شرعی اعم از سهمین، کفارات و نذورات
- ✓ پرداخت شهریه به طلاب علوم دینی
- ✓ پرداخت شهریه به سادات نیازمند از محل سهم سادات
- ✓ کمک‌های نقدی و غیرنقدی به نیازمندان و محرومان
- ✓ پرداخت وام قرض‌الحسنه با همکاری بانک‌های رسالت و انصار
- ✓ ارائه کتب امانی و سالن قرائت‌خانه مجزا برای آقایان و بانوان
- ✓ خدمات دندان پزشکی و دندان‌سازی

### توزیع کوپن نان بین نیازمندان

این سنت حسنه به ابتکار مرحوم آیت‌آ... نایب آیتی با حدود ۵۰ سال سابقه، کاری بی‌بدیل است که عهده‌دار تامین نان برای سفره محرومان می‌باشد. لذا مومنین می‌توانند کمک‌ها، کفارات و زکات فطریه خود را به شماره کارت: ۹۰۵۸-۳۲۲۸۳-۸۱۱۱-۶۲۷۳ به نام حجت‌الاسلام علیرضا حسینی نزد بانک انصار واریز کرده و در این کار خداپسندانه شریک شوند.

استان خراسان جنوبی، شهرستان بیرجند، خیابان شهید مطهری، مسجد آیت‌آ... آیتی

تلفن: ۰۵۶-۳۲۲۲۲۳۶۷ و ۰۵۶-۳۲۲۲۲۴۱۶

تحقیق



فیدددهدی  
پژوهشگر

سراغاز رسمی موسیقی پاپ ایران زمین با عطا... خرم رقم خورد. او نابغه‌ای در هنر این سرزمین بود، زیرا دگرگونی که او کرد، کمتر زمینه و ریشه داشت.

خرم نه تنها ویولن، بلکه ردیف‌های موسیقی سنتی را از ابوالحسن صبا فراگرفت، به همین خاطر در ملودی‌سازی‌های وی آن‌چه که بیش از همه دیده می‌شود، خاستگاه ردیفی موسیقی خرم است. خاستگاه دیگر خرم آموزش‌هایی بود که او از روبیک گریگوریان، آموخت. گریگوریان فردی جهانی در قلمرو موسیقی بود؛ به ایران بازگشت و آوازهای محلی را در قالب موسیقی سمفونیک و پلی‌فونیک درآورده بود. خرم ابتکارات گریگوریان را به موسیقی پاپ منتقل کرد. تحولات خرم بیش از آن‌که رنگ و بوی پاپ بدهد، بیشتر فرآیندی کلاسیک داشت.

پرویز مقصدی به‌واسطه نسبت خانوادگی با نیکول لوندی، سرپرست نخستین ارکستر ویگن، ابتدا به‌عنوان نوازنده به سال ۱۳۳۶ در این ارکستر بود. پس از این‌که عطا... خرم با ساخت آثار ممتاز، خود را به‌عنوان رهبر و سرپرست ارکستر پاپ / جاز رادیو تثبیت کرد، مقصدی همچنان به‌عنوان ویرتوز ارکستر، فعالیت خود را ادامه داد. اما مقصدی تاب اجرای صرف را نداشت. در سال ۱۳۴۲ در سن ۲۵ سالگی، در ادامه ابتکارات خرم، موسیقی نوینی را به ارمغان آورد. خرم تداوم موسیقی کلاسیک ایران و جهان در قلمرو پاپ بود و مقصدی خود «پاپ» بود. او با دشواری، گام‌ها و آکوردهای موسیقی پاپ مغرب‌زمین را به موسیقی پاپ منتقل کرد. همواره به‌رغم ترنم و تازگی نواهایش، برخی به‌دنبال خاستگاه ملودی‌ها در ترانه‌های پاپ جهانی بودند، اکنون که تمامی کپی‌کپی‌های نوازندگان عیان شده، هیچ ردپایی از کپی در کارش دیده نمی‌شود. آشنایی ملودی‌های او، به‌خاطر روانی و سادگی، با تمامی دشواری‌های تکنیکی آن است. ملودی‌هایش با تمام افق‌های باز و انسانی نسبت داشت. هرچقدر در ملودی‌سازی تن به دشواری می‌داد، رهاورد کارش ساده، روان و زیبا بود. هرکارش نه تنها موجب رشد خواننده می‌شد، بلکه گستره احساس مخاطب به موسیقی را هم وسعت می‌بخشید. از همین حیث ما به مقصدی و کارهایش مدیون هستیم، زیرا پیوند چند نسل را به هنر موسیقی عمیق‌تر کرد.

هر اثر او در موسیقی و خاطره موسیقی ما اثرگذار است. نخستین کارش ضمن این‌که در فرم موسیقی پاپ نویدبخش بود، بخشی از خاطره موسیقایی؛ اصلاً بخشی از حافظه تاریخی ما شده است. هرچقدر بگویند این مملکت حافظه تاریخی ندارد، «سنگ قبر آرزو» یا «نفرین» بخش زنده حافظه تاریخی ماست. نخستین اثر مقصدی یعنی نفرین در پاییز ۱۳۴۲ ساخته شد. دقیقاً برای جنس صدای ویگن ساخته شد. در آن موقع ویگن به آمریکا رفته بود و خواننده جوانی به نام آرتوش آن‌را خواند که در آن موقع بسیاری بر این پندار بودند که او نسخه دیگری از نابغه ترانه‌خوان معاصر ویگن است. شهرت نفرین و تحولاتی که بر موسیقی نهاد، شاید همسنگ «مرا بیوس» و «مهتاب» باشد. اکنون نه تنها این ترانه توسط هنرجویان بازخوانی می‌شود که همچنان توسط مردم عادی هم زمزمه می‌شود. طولی نکشید که مقصدی ترانه دیگری برای آرتوش ساخت که آن هم تحول شگرفی در موسیقی پاپ بود. «بوسه بر لب‌های خونین» گرچه از لحاظ فرم با نفرین متفاوت بود، اما آکوردهای آن ریشه در موسیقی پاپ اسپانیایی و ایتالیایی داشت. مقصدی به‌گونه‌ای موسیقی آثار را می‌نوشت که گویی برای ملل اروپایی است، فقط کلام ترانه‌سرا موجب می‌شد که رنگ و بوی ملی به خود بگیرد. گرچه ترانه‌سرا برای نگارش ترانه از فرم کلاسیک نمی‌توانست استفاده کند، به همین خاطر ساختار ترانه‌سرایایی توسط وکیلی در فرم کارهای مقصدی تغییر می‌کند. وکیلی مجبور بود از شعر نیمایی با وزنی موزیکال‌تر بهره بگیرد. ضمن این‌که زوج هنری دیگری پس از همکاری عطا... خرم - وکیلی آغاز شد. این‌بار وکیلی زوج هنری دیگری نیز یافت که مجبور شد نوع موسیقی دیگری را آزمون کند و چه بسا بیافریند (پرویز مقصدی - پرویز وکیلی). ویگن تاب تحمل غربت غرب را نداشت و به ایران برگشت. از تحولات مقصدی در موسیقی شگفت‌زده شد. اعجاب ویگن آن‌جا برانگیخت که روی دیگر صفحه نفرین را هم شنید؛ «بوسه بر لب‌های خونین»، او نمی‌توانست آن را دوباره بخواند، زیرا خواننده دیگری آن را اجرا کرده بود. از مقصدی خواست به شکل دیگری آن را اجرا کند، ویگن با توجه به نفوذش در رادیو این امکان را فراهم کرد. فقط رادیو گفت برای این‌که اثر «تولیدی» باشد باید ترانه‌سرای دیگری غیر از وکیلی روی ملودی، کلام بسراید. ویگن «نظام فاطمی» را معرفی کرد. او از نظام فاطمی خواست که ترانه‌ای بگوید که درباره شرح سفر خود ویگن باشد، زیرا ویگن قصد داشت برای همیشه در آمریکا بماند، اما دوام نیاورد، چون برای ویگن



نگاهی به زندگی و آثار پرویز مقصدی

# ملودی‌ساز یگانه اما مهجور

اوج صدای عارف، بهره گرفته شود و از قضا ملودی‌ها منوتن و یک‌نواخت بود، اما این قطعه به واسطه رنگ‌آمیزی ملودیک‌داری تنوع آوازی نیز بود. آن‌جا بود که صدای عارف جلوه کرد. عارف خود را همیشه مدیون این اثر شگرف می‌داند.

نکته قابل توجه در آهنگسازی مقصدی، سازگاری و آمیزش او با شرایط و امکانات بود. با تمام وسواس هنری‌اش، سعی می‌کرد خود را با امکانات محدود صدای یک خواننده تا شرایط حاکم بر یک فیلم سطح پایین، سازگار کند و از آن تنگنا یک اثر سترگ خلق کند. «دریاچه نور» چنان شهرتی پیدا کرد که همان زمان از مقصدی برای ساخت ترانه دیگری روی سکانسی از فیلم سلطان قلب‌ها، با صدای عارف دعوت کردند. این کار دومین تجربه آهنگسازی مقصدی در سینما بود. طبعاً مقصدی باید ترانه‌ای متناسب با سطح فیلم و طیف عام مخاطبان بسازد. «خواب» (دیشب خواب تو را دیدم)، نه در سطح نوآوری‌های دریاچه نور بود، اما به‌واسطه استفاده از نقاط بیم صدای عارف، هنوز این ترانه مورد توجه طیف‌های مختلف اجتماعی است. بدون این‌که برای مقصدی مهم باشد، چند خواننده مشهور برای محک‌زدن سطح تکنیکی صدای خود این ترانه را اجرا می‌کردند. آتشین خواننده دیگری بود که از نوجوانی چند ترانه خوانده بود، اما هیچ‌گاه نامدار و نام‌آور نشده بود، ترانه خواب را برای محک و آزمون خواند. گرچه این بازخوانی شهرت اجرای عارف را نیافت، اما موجب شد یکی از ستارگان آسمان هنر سرزمین شود. مقصدی اثری را برای او ساخت که نه تنها دنیای خواننده را تغییر داد، بلکه دنیای موسیقی پاپ را دستخوش تغییر و تحول کرد. او «قصه وفا» را با کلام جنتی عطایی برای او ساخت. این اثر تمامی دامنه و وسعت صدای خواننده را به‌خوبی نمایان کرد. از میانگین نت‌های پایینی صدا تا اوج صدای خواننده را به‌کار گرفت. همان زمان این روش مقصدی توسط دیگر آهنگسازان مورد توجه قرار گرفت. در واقع این اثر به همراه دیگر آثار هم‌زمان مقصدی، راهی را برای آهنگسازانی مانند واروژان، اسفندیار منفردزاده، بابک افشار، پرویز اتابکی و شمعی‌زاده باز کرد. دیوار جدایی، بی‌قرار، گل بی‌گلدون، ساحل دریا، گاهی خنده، کوچه انتظار و... دیگر ترانه‌های بودند که مقصدی در آن زمان و یا چندی بعد برای او ساخت و موجب شد سرنوشت موسیقی پاپ رقم بخورد. نه تنها موسیقی پاپ

هیچ‌کجای جهان ایران نبود. تنظیم دوباره اثر این‌بار با ارکستری حجیم‌تر بود. ارکستر فرمی مجلسی داشت. از همین حیث شگردهای مقصدی روی سازها برای ترانه «بوسه بر لب‌های خونین»، حتی ابتکارش روی آواز در این اثر دیده نشد. با این حال اجرایی شکوهمندانه و حماسی بود. اسم اثر «بازگشت» نام داشت آن‌هم چه «بازگشت حماسی»! این اثر تنها با افق‌های باز و دور نسبت نداشت، گویی با جاودانگی و فناپذیری گره خورده بود.

سبک مقصدی با وجود شگردهای ملودی‌سازی و دشواری‌های تکنیکی، موجب طلوع و برآمدن هر خواننده‌ای می‌شد، از ویگن که در بلندای تاریخ موسیقی خوش نشست بود، بگذریم. آرتوش و ویلسون خوانندگانی بودند که او بکایک معرفی کرد. شوربختانه آنان قدر آن ملودی‌های غنی را ندانستند و درک نکردند که راوی چه فرهنگ غنی هستند. ویلسون بنا به دلایل نامشخصی از موسیقی کناره گرفت، اما آرتوش بر این گمان بود که با چند ترانه به تنهایی می‌تواند بر آسمان هنر خوش بدرخشد، به خیال همکاری با ارکسترهای بزرگ‌تر به ارمناستان رفت، اما دیری نپایید با همان شتابی که درخشید، غروبی اندوهناک داشت.

خواننده دیگر عارف بود. عارف از سال ۱۳۴۲ به‌عنوان خواننده رسمی رادیو مشغول به کار شد. با آهنگسازان بی‌شماری کار کرد؛ حتی با خرم، سورن، زاون، بابک افشار و... نیز همکاری کرد. غیر از نارملا که با خود عارف آغاز کرد، با تمام خوانندگان مشهور بانو نیز همکاری کرد، اما اکنون با گذشت ۵۵ سال از آن سال‌ها متوجه می‌شویم آن‌چه که موجب بلندآوازی عارف شد، هیچ‌کدام از ترانه‌های از سال ۱۳۴۲ تا ۱۳۴۷، نبود. آنچه که موجب بلندنامی و نیک‌نامی عارف شد، ملودی‌های سحرآمیز پرویز مقصدی بود. در میانه سال ۱۳۴۷ پرویز مقصدی آهنگی برای عارف ساخت که موج جدیدی در آهنگسازی پاپ بود. «دریاچه نور» با ترانه بی‌بدیل پرویز وکیلی؛ در این ترانه آهنگساز ضمن نوآوری جدید، سعی کرد از تمامی وسعت صوتی عارف بهره بگیرد. به‌ترین و اوج صدای عارف را در آهنگسازی خود در نظر گرفت. ابتدا از به‌ترین نت آوازی صدای عارف بهره گرفت. در این اثر عارف نه تنها در بالاترین نت صدایش خوش‌صدا است، بلکه در به‌ترین نقطه صوتی‌اش هم درخشش خیره‌کننده‌ای دارد. در بیشتر ترانه‌های پیش‌خوانده عارف، سعی شده بود از





مقصودی سعی می‌کرد نبوغ و خلاقیت خود را به رخ بکشد. به‌عنوان نمونه در جادوی رنگین، ابتدا خواننده قطعه را با حالتی آوازی درآمد می‌کند. موردی که کمتر ریشه داشت. همان‌طور که گفته شد مقصدی مستعد سازگاری با شرایط بود. در فیلم «عروس دریا» (سال ۱۳۴۴)، به‌واسطه محلی بودن لوکیشن فیلم، مقصدی سه ترانه شبه‌محلی می‌سازد. سه ترانه‌ای با نام‌های صیاد، عروس دریا و مرد ماهیگیر هر سه با کلام پرویز وکیلی، هر سه قطعه دارای ارکسترهای حجیم نبود. عروس دریا را با همان آنسامبلی ساخت که بعدها ارکسترش را با همان چیدمان رقم زد. علی‌رغم کم حجمی، اما به واسطه ویرتوزیته و تنظیم حجم بالاتری به گوش می‌رسید. عروس دریا بعدها توسط خوانندگان مشهور نیز بازخوانی شد. حتی خود ویگن در ویژه برنامه‌های رادیو همواره آن را اجرا می‌کرد.

رفته‌رفته پرویز مقصدی این امکان را پیدا کرد که در همراهی با ویگن انتظار خود را از ارکستر برآورده سازد. در سال ۱۳۴۵ «دریای بی‌آرام» و «عشق پنهانی» هر دو با کلامی از پرویز وکیلی را می‌سازد. هر دو شباهت ملودیک و ریتمیک به یک‌دیگر دارند. هر دو با آوازی ملایم درآمد می‌شوند، آن‌چنان‌که سبک مقصدی بود. مقصدی در سال ۱۳۴۶ گمشده را با شعر زیبایی از پرویز وکیلی می‌سازد. او با چند ساز محدود از جمله ترومپت زیبایی «منوچهر بیگلی»، ارکستر کوچک خود را می‌آراید. این اثر بیان‌گر زبان موسیقایی مقصدی بود. او رفته‌رفته زبان خود را در موسیقی ایران پیدا کرده بود. مقصدی این اثر را برای آواز و ترومپت نوشته بود. ترومپت زیر صدای ویگن طنین خاصی از احساس شاعرانه مقصدی است.

همان‌طور که گفته شد گل سرخ در کنار قصه وفا، دریاچه نور و برگشته مژگان نقاط عاطفی در تاریخ موسیقی پاپ بودند. هر چهار ترانه به فاصله چند ماه در سال ۱۳۴۷ ساخته شد. سالی که ویگن دو ترانه دیگر نیز می‌خواند که کارنامه خود و تاریخ موسیقی پاپ را غنی‌تر می‌کند. «سوگند» و «بی‌سرانجام» هر دو با شعر ترانه زنده‌یاد تورج نگهبان، از ساخته‌های بابک افشار. شاید بابک افشار هیچ‌گاه به این موضوع اشاره نکرده، اما هر دو اثر درخشان، بی‌تاثیر از شگردهای ملودی‌سازی پرویز مقصدی نبود.

ویگن نیز متناسب با فضای آهنگسازی نوین، سنوریت‌صدای خود را تغییر داد. روی کلمات به ویژه کلمات تاکید، درنگ بیشتری می‌کرد، تحریر و ویریه خود را شدت بیشتری بخشید. صدای خود را حجیم‌تر می‌کرد. در حالی که در دوره درخشان ۱۰ ساله ۱۳۳۶ تا ۱۳۴۶، او حجم صدای خود را متناسب با حجم صدای ارکستر می‌نمود، صدادهی متناسب با قطعه را عرضه می‌کرد، اما این‌بار سبک دیگری از کاراکتر خود را نمایان کرد. در ادامه همین فضا، مقصدی در سال ۱۳۴۸ ترانه «غروب آشنایی» را با کلام ایرج جنتی برای صدای ویگن ساخت. مقصدی این ترانه را در ادامه سریال چهار ترانه سال ۱۳۴۷ ساخت، اما این ترانه با توجه به کاراکتر صدای ویگن، پیچیدگی‌ها و دشواری‌های خود را داشت. طبیعی است که اثری که بخواهد برای یک خواننده عامی و تازه‌وارد ساخته شود، کمتر زمان و دشواری می‌طلبد، اما با توجه به تکنیک و تمبر صدای ویگن، قطعه دارای فضاهای پرتحریری بود. تحریرهایی که تازه ویگن به آن رسیده بود و نزدیکی زیادی به اکول آوازی آهنگسازی خود مقصدی داشت.

در همان ابتدا ترانه یعنی:  
در غروب آشنایی  
خسته از درد جدایی  
آن شب غم‌پرور درد  
هر ستاره گریه می‌کرد  
من کنار خانه‌ات غمگین نشستم  
تو پریشان‌نامه‌ای دادی به دستم  
رفتی و آهنگ پایت در فضای خانه پیچید  
باد وحشی ناله‌ای زد مرغ شب مستانه خندید  
از همان ابتدای قطعه، ویگن روی هر کلمه تاکید و تحریر خاصی می‌دهد، ضمن این‌که برخی مواقع روی کلمات ویراسیون می‌داد. شگفتی کار آن‌جا بود که ویگن روی «همچو شمعی تا سحرگاهان» با یک تحریر حرکت می‌کرد. سحرگاهان را به گلو می‌برد و صدا بغض‌آلود می‌شود و کُرال خیلی کوتاه زیر صدای ویگن گاهان را به صورت آآآ می‌خواند. آهنگساز فضای کار را یک‌دفعه تغییر می‌دهد و ویگن «گریه کردم» را غنهای می‌کند.  
همچو شمعی تا سحرگاهان  
گریه کردم بر مزار دل  
بی تو دیگر کی بسراید  
لحظه‌های انتظار دل

ایرانی به‌گونه‌ای دیگر رقم خورد، بلکه با توجه به استعداد خواننده‌پروزی، از آن تاریخ خوانندگان مشهوری به تاریخ موسیقی پاپ معرفی شدند. آذر محبی، اقبالی، گیتی، حامدی، فروهر، شهلا صافی‌ضمیر و صولتی‌ها خوانندگانی بودند که با آهنگ‌های پرویز مقصدی برخی نزدیک به نیم قرن در تاریخ موسیقی ایرانی همچنان آوازه دارند.

پرویز مقصدی در سال ۱۳۴۷ باز ترانه دیگری برای عارف‌کیا ساخت که بر شهرت او بسی افزود. بعدها کمتر از آن یاد شد، اما همتای «دریاچه نور» بود. ترانه زیبا و فاخر «برگشته مژگان»، این‌بار نه با ترانه پرویز وکیلی، بلکه با کلام ایرج جنتی عطایی. ایرج، سعی کرد تمامی ابتکارات وکیلی که همزمان با امواج نوین موسیقی پاپ آفریده می‌شد، در ترانه خود ادامه دهد. سبک روایت‌گونه و تابلوسرایی، نکات درس‌آموزی بود که ایرج جنتی از رهاورد ترانه‌های پرویز مقصدی - پرویز وکیلی برای تاریخ ترانه‌سرایی به یادگار گذاشت.

پس از همکاری مقصدی با عارف، ویگن که پیشتر نزدیک به ۱۰ اثر از مقصدی خوانده بود و به‌درستی خود را موجب ارتقای مقصدی می‌دانست برایش دشوار بود که از کاروان نوین موسیقی پاپ نصیب و بهره‌ای نگیرد. به یاد ترانه بازگشت، از مقصدی تقاضا کرد ترانه‌ای در همان فضای «دریاچه نور» با مختصات شاخص و متناسب با صدایش بسازد. ویگن در این دوره خود به این نتیجه رسیده بود که از بخش بم صدای خود بیشتر بهره بگیرد و در بخش بم سعی می‌کرد، موقع اجرای نت‌های بم و میانی، از حجم صدای بیشتری بهره بگیرد روی آن‌ها ویراسیون، تحریر و غلت بیشتر بدهد و مانور خود را بیشتر در این محدوده قرار دهد. هیچ‌گاه راز این معنا در صدای ویگن مشخص نشد، زیرا طولی نکشید، ویگن در اوج رونق صدایش به جز دو بازگشت کوتاه، ایران را برای همیشه ترک گفت. پرویز مقصدی برای این مطالبه ویگن، «گل سرخ» را می‌سازد. گل سرخ در فرم، ادامه سه ترانه دریاچه نور، برگشته مژگان و قصه وفا بود. یکی پس از دیگری ترانه‌های مقصدی مانند ستارگان درخشان هنر سرزمین بودند که هر کدام بر تارک آسمان، درخششی بی‌نظیری داشت.

ترانه بازگشت (۱۳۴۲) ضمن تمامی ابتکاراتش، مقصدی به‌واسطه تنظیم‌های رایج ارکسترال فاخر، مجبور بود، قطعه را در قالب ارکسترال تنظیم کند، اما در گوشه ذهنش آنسامبل موسیقی پاپ نوین اسپانیایی، ایتالیایی و یونانی را مدنظر بود. از همین‌رو آنسامبل و چیدمان ارکستر ذهنش به آرایش چند ساز مخصوص جاز و پاپ آن ملل معطوف بود. ترانه‌هایی که بعد از سال ۴۲ برای ویگن ساخت، ادامه فرهنگ‌سازی ارکستر عطا... خرم با کمی تغییرات خاص مقصدی بود. ترانه «جدایی» و «من و شب» هر دو با کلام نظام فاطمی از همین شاخص‌ها پیروی می‌کرد، ارکستر مجلسی با سبکی کاملاً مدرن و پاپ ساخته‌شده در سال ۱۳۴۲. دو ترانه دیگر وی به‌نام گریه ابر در سال ۱۳۴۳ با شعر ابوالقاسم حالت و جادوی رنگین با شعر رمنس و افسانه‌ای پرویز وکیلی باز در همان سال از نمونه‌های ارکسترال کلاسیک بود، اما همان‌طور که گفته شد





## حوالی خیابان محبوب



مهدی توکی تبریزی  
داستان‌نویس

صبح خیلی زود بود که پیامی از کی‌نوش دریافت کردم. برایم نوشته بود که از او خواسته‌اند که من را در جریان اتفاق نگذارد. مبدا به خاطر محدودیت در سفر و رفت و آمدهای بین‌شهری با مشکل مواجه شوم. من هم برای کی‌نوش نوشته بودم که او هم از قصد من برای حضور در تهران به کسی چیزی نگوید، می‌خواهم چند روزی در خلوت خود و خاطراتم در خانه مادر چون تنها باشم.

صندلی راک مادر چون رو به پنجره حیاط ویلا آرام گرفته است، دیگر صدای جیرجیر آن به گوش نمی‌رسد. پشت به صندلی می‌کنم و می‌خواهم از پله‌های گوشه هال به طبقه بالا بروم. اتاق من در نیمه طبقه بالای ویلا بود. مادر چون به آرامی می‌گوید: «شهیدجان اتاق تو مرتب کردم»، می‌چرخم و به سوی صندلی نگاهی می‌کنم، مادر چون جایش خالی است. از پله‌ها بالا می‌روم، به پشت در اتاق می‌رسم، هنوز بعد از سال‌ها برچسب بزرگ «ورود ممنوع» بر روی در قرار دارد.

«مادر جون اینو برای این دختر سر به هوا روی در چسبوندم، یه موقع شما به دل نگیرید.»

مادر چون خنده‌ای کرد و گفت: «مادر! کی‌نوش که غریبه نیست، دخترخاله ات.»

برچسب افافه نکرده بود، مجبور شده بودم یک کاغذ بچسبانم بالای علامت ورود ممنوع «لطفاً بدون اجازه وارد نشوید» اما کی‌نوش لجاجت‌تر از این حرف‌ها بود.

دستم را به روی در اتاق می‌برم و از گوشه برچسب با ناخن انگشت شروع می‌کنم به کندن آن. در اتاق را باز می‌کنم و به داخل می‌روم، در را پشت سرم می‌بندم، خودم را روی تخت می‌اندازم، انگار زمان در اتاق متوقف شده، هیچ چیزی جایش تغییر نکرده است. سرم را به زیر بالشت فرو می‌برم، احساس می‌کنم به سختی دارم نفس می‌کشم. از طبقه پایین صدای باز و بسته شدن در ورودی خانه و آهسته قدم برداشتن کسی بر روی پله‌ها که به طرف بالا می‌آید به گوش می‌رسد. چند لحظه بعد دو ضربه بر روی در اتاق می‌خورد «اجازه هست بیام تو؟» صدای کی‌نوش است، سرم را از زیر بالشت بیرون می‌کشم و از روی تخت بلند می‌شوم و در را باز می‌کنم. کی‌نوش زیباتر شده است، همدیگر را در آغوش می‌کشیم، انگار سال‌هاست که بعضی در گلویمان نشسته است و حالا پهنایی برای ترکیدن پیدا کرده است.

من و کی‌نوش بیشتر سال‌های عمرمان را در خانه مادر چون گذرانده



برایم به یادگار مانده است. کمی بالاتر از چهارراه پارک‌وی حوالی خیابان فرشته جایی که قبلاً ساندویچ یکتا برپا بود مکث کوتاهی می‌کنیم. کی‌نوش: «هنوز مزه الویه‌هاش زیر زبونمه.»

من: «چقدر به جونم غر می‌زدی که چرا نوشابه نداره؟»

مادر چون وقتی می‌دید من و کی‌نوش با هم مهربان هستیم خوشحال بود، اما امان از آن اوقاتی که مثل دو تا خروس جنگی به جان هم می‌افتادیم و طفلک نمی‌دانست که طرف کدام یکی را بگیرد.

کی‌نوش از من جلوتر قدم برمی‌دارد و هر از گاهی دستانش را از هم باز می‌کند و چرخ می‌زند به دور خود می‌زند و آزاد و رها به من لیخند می‌زند. به باغ فردوس رسیده‌ایم بر روی نیمکتی می‌نشینیم تا کمی نفس تازه کنیم. کی‌نوش دستانش را در دستانش می‌گیرد و می‌گوید: «شهید! همین‌جا بمون، مادر چون همیشه می‌گفت می‌خوام شما دو نفر چراغ این خونه رو روشن نگهدارید». نگاهم به چشمان کی‌نوش می‌افتد، در نگاهش این تمنا را می‌بینم. از روی نیمکت بلند می‌شویم و به طرف سرپل قدم برمی‌داریم، به مقابل قنادی لادن می‌رسیم، کی‌نوش دستم را می‌کشد و به داخل قنادی می‌برد و می‌گوید: «هنوز دانمارکی‌هاش خوشمزه است، برای مادر چون هم می‌پریم». از قنادی خارج می‌شویم و به سوی ایستگاه مترو می‌رویم، پیشنهاد می‌کنم از داخل بازار برویم، بازار تقریباً خلوت است، بیشتر فروشگاه‌ها بسته است. هر سال این روزها بازار تجریش حال و هوای دیگری داشت. کی‌نوش می‌گوید باید زودتر برویم، مادر چون در خانه جدیدش برای عیددیدنی منتظر است.

بودیم. اینجا در کنار هم پشت پنجره‌های خانه قد کشیده بودیم. روزهای تعطیل که مدرسه نمی‌رفتیم از صبح تا شام آن قدر به سر و کله هم می‌زدیم که شب‌ها در کنار بستر مادر چون با اولین کلمات قصه‌هایش به خواب شیرین می‌رفتیم، بیچاره مادر چون که باید طاق‌باز می‌خوابید مبدا روی صورتش به طرف یکی از ما دو نفر باشد و آن دیگری شاکی شود.

کی‌نوش: «مادر چون چشم به راهت بود.»

\*\*\*

کی‌نوش همیشه سحرخیزتر از من بود. امروز صبح هم مثل همه آن سال‌هایی که با سر و صدا خواب صبحگاهی را به من زهر می‌کرد در تدارک آماده کردن صبحانه است.

«شهید! بلندشو لنگ ظهر هست، باید از چهارراه پارک‌وی تا خود سر پل پیاده بریم.»

از خانه بیرون می‌زنیم، از میدان الف به سوی خیابان ولی‌عصر سرازیر می‌شویم. تهران همیشه در تعطیلات نوروزی زیبایی‌اش بیشتر عیان می‌شود، نه خبری از ترافیک سرسام‌آور هست و نه از آلودگی هوا.

کی‌نوش هم مثل من مهربان‌تر شده است. یاد نمی‌آید که با هم بیرون رفته باشیم و با جنگ و دعوا و قهر به خانه برگشته باشیم. به چهارراه پارک‌وی که می‌رسیم یاد فروشگاه کوروش چادری می‌افتد. هر سال روزهای آخر شهریورماه دست در دست مادر چون برای خرید دفتر و مداد مدرسه به آن‌جا می‌رفتیم. هنوز یک دفتر «فرنو» از آن سال‌ها

### نمایندگان مجلس یازدهم مطرح کردند

## قیمت خودرو باید منطقی شود

بررسی کارشناسی قرار بگیرد تا شرایط تولید و عرضه محصولات به بازار در بستر مناسبی به واقعیت تبدیل شود.

وی اظهار داشت: ضرورت دارد خودروسازان مکانیزم‌های دیگری را در کنار مواردی مانند عدم ثبت نام خودرو در مدت خاص از سوی مشتری و نداشتن خودرو ثبت نام‌کننده را در برنامه‌های فروش به مشتری واقعی اعمال کنند، زیرا این فیلترها باعث جلوگیری از آشفته‌گی در بازار خودرو خواهد شد.

قادری بیان کرد: پیشنهاد می‌کنم خودروسازان ظرفیت ثبت نام را افزایش دهند و بعد از ثبت و غربالگری، از طریق قرعه‌کشی خودرو را به قیمت روز و تعیین شده از سوی شورای رقابت به مشتری تحویل دهند. وی در ادامه به عملکرد مدیرعامل گروه صنعتی ایران خودرو اشاره کرد و گفت: مدیرعامل ایران خودرو شخصی خوش فکر، پیگیر و پای کار است که با نیروی جوانی خود در شرایط فعلی و زمان اندک، گام‌های مثبتی را برداشته است.

منتخب مردم شیراز با تاکید بر افزایش تولید محصولات ایران خودرو گفت: این خودروساز شرایط تولید برای محصولاتی که ارزش کمتری دارند و قطعات مورد نیاز آنان در کشور طراحی و تولید می‌شود را فراهم کند تا با افزایش عرضه، مشتریان واقعی موفق به خرید محصول شوند.

گفت: مقیمی در این مدت کوتاه توانسته ایران خودرو را روی ریل توسعه از منظر تیراژ تولید، ارتقای کیفیت، توسعه محصولات جدید و بومی‌سازی قطعات قرار دهد.

قاضی‌زاده‌هاشمی در پایان یادآور شد: در برنامه‌های راهبردی مدیرعامل ایران خودرو طراحی پلتفرم ایرانی با تکیه بر شرکت‌های دانش بنیان، نهضت کاهش قیمت تمام‌شده محصول نهایی و تولید خودرو با نشان ایرانی دیده شده است که امیدواریم با تحقق این برنامه‌ها آینده ایران خودرو با مدیریت مقیمی تضمین شود.

در همین خصوص، جعفر قادری منتخب مردم شیراز در مجلس یازدهم گفت: قیمت‌گذاری خودرو باید براساس هزینه تمام‌شده خودرو و با سود مشخص و تایید شده از سوی شورای رقابت باشد.

وی افزود: با اجرای قانون می‌توان به یک راه حل مشخص دست یافت، بر این اساس خودروساز قیمت تمام‌شده محصول را به شورای رقابت اعلام و این شورا نیز مجوز فروش خودرو را بر مبنای قیمتی با سود متعارف صادر کند.

منتخب مردم شیراز تصریح کرد: شرایط فعلی و افزایش هزینه تمام‌شده محصول بر کسی پوشیده نیست و خواسته‌های معقول و منطقی خودروسازان باید در فضایی دور از تنش و جنجال‌های رسانه‌ای مورد

### نظر



سیداحسان قاضی‌زاده‌هاشمی نماینده مردم فریمان و سرخس در مجلس دهم با اشاره به قیمت‌گذاری دستوری که باعث زیان شرکت‌های خودروسازی شده است گفت: قیمت خودرو باید براساس عرضه و تقاضا تعیین شود تا خودرو به‌دست مصرف‌کننده واقعی برسد.

وی افزود: ما نمی‌توانیم در بازار خودرو شاهد حرکت‌های افراطی و تفریطی باشیم. نگاه در این حوزه باید متعادل باشد تا هم رضایت مشتری جلب شود و هم قیمت‌ها براساس کارشناسی واقعی و نه به‌صورت حباب و کاذب و سفته‌بازی شکل بگیرد؛ در این صورت است که دیگر عده‌ای دلال نمی‌توانند میان‌دار عرصه قیمت‌گذاری باشند.

عضو فراکسیون ولایی مجلس با تاکید بر نظارت دقیق سازمان‌های مرتبط بر بازار خودرو خاطرنشان کرد: در این وضعیت آشفته فعلی بازار خودرو، هم خودروساز و هم مصرف‌کننده واقعی ضرر می‌بینند و تنها دلال‌ها سودهای کلانی به جیب می‌زنند از این‌رو منطقی کردن قیمت خودرو تنها راه مبارزه با دلال‌بازی است.

این منتخب مجلس یازدهم در خصوص عملکرد مدیرعامل ایران خودرو



و حضور فیزیکی داشته باشند و اگر تمام شهر نیز تعطیل شود بسیاری



در کنفرانس مجازی «فقر و اخلاق فرهنگی مدرن» مطرح شد

## شبح کرونا بر سر فقرا!

عضو هیات علمی دانشگاه تهران در خصوص موضوع «فقر و اخلاق فرهنگی مدرن» در این وبینار گفت: در مورد بحران کرونا که درگیر آن هستیم ممکن است موج‌های دیگری نیز داشته باشد و این اپیدمی‌ها معمولاً چندین موج دارد و با آرام شدن یک موج نباید تصور کرد خطر رفع شده تا اینکه کاملاً از بین برود. موج بعدی از پاییز آغاز خواهد شد. ناصر فکوهی با بیان اینکه کرونا موضوع عمومی است، تصریح کرد: نیاز است به این موضوع از دیدگاه جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی نگاه شود. در دنیا مجموع کسانی که مبتلا به کرونا هستند بیش از دو و نیم میلیون نفر هستند و در سطح جهان این ویروس، ۱۷۰ هزار تلفات داشته است و این اتفاق بسیار بزرگی است. داده‌ها و موقعیت علمی و ارتباطی جهان، نشان می‌دهد که بعید است ما به ابعاد فاجعه‌بار یک اپیدمی مثل آنفلوآنزای اسپانیایی برسیم، زیرا دنیا تغییر کرده و سطح آگاهی ارتباطات و پزشکی بالا رفته است.

وی تصریح کرد: بنابراین موضوع در موقعیت کنونی در درون خود بسیار عظیم نیست، اما ناشناخته و تحول نامعلومی ایجاد کرده است به خصوص اینکه یک فلج گسترده در نظام‌های حرکت و کار و روابط انسانی در تاریخ مدرن در سطح سیستم جهانی ایجاد کرده است که آن را دارای اهمیت و دارای پتانسیل خطرات بی‌نهایت بزرگ می‌کند. همچنین خطر شیوع و اپیدمیک بیماری خطرات است و به هیچ عنوان نباید در چند ماه و چند سال آینده احتیاط را از دست داد و گرنه همان اتفاقی می‌افتد که در آنفلوآنزای اسپانیایی افتاد یعنی موج دوم آن، زمانی که همه فکر می‌کردند تمام شده و احتیاط را کنار گذاشتند، به مراتب از موج اول مرگ‌بارتر بود.

استاد انسان‌شناسی دانشگاه تهران ادامه داد: اما درباره کرونا این سوال پیش می‌آید که آیا این واقعه به اندازه‌های بزرگ بوده که نظام اخلاقی در حال حاضر و یا پس از آن تغییر کند که پاسخ من منفی است و این فاجعه هر اندازه هم بزرگ باشد به‌نظم نظام‌های اخلاقی، قدرت بیشتری دارند که بتوانند خود را حفظ یا احیا کنند و اتفاقاً فاصله گرفتن از آن‌ها از جمله در سبک زندگی مصرف‌گرایانه و فشار بر طبیعت بوده که ما به چنین موقعیتی رسیده‌ایم.

**قشر ضعیف برای تامین نیاز خود قرنطینه را می‌شکنند**

فکوهی با بیان اینکه امروز در دنیا تناقض اقتصادی وجود دارد، اظهار داشت: کسانی که نیاز بیشتر به کار اقتصادی دارند مثل کارگران، رانندگان و پرستاران، کادرهای فنی رده‌های پایین و... ناچارند کار کنند

فکوهی ادامه داد: بین میزان مرگ و میر کرونا و فقر رابطه مستقیم وجود دارد و در قبال آن مسئولیت اخلاقی داریم. این نوع نگاه که ما در برابر فقرا مسئولیتی نداریم ناشی از نظریه‌های داروینیسیم اجتماعی و نظریه «فرهنگ فقر» (اسکار لویس) است که این نوع نگاه به جامعه را اکثر اصحاب علوم اجتماعی رد می‌کنند و خطرناک می‌دانند. در جامعه و در جهان مردم و همه انسان‌ها به یکدیگر وابسته‌اند و باید متوجه آن باشند که هر خطری از یک نقطه می‌تواند به کل شبکه جهانی تسری پیدا کند، اما در حال حاضر جهان در حال افزایش و تداوم است و نتیجه این تفکر، اقتصاد نئولیبرال و سرمایه‌داری نئولیبرال است.

عضو هیات علمی دانشگاه تهران افزود: جایگزین مناسب و قابل دفاع سیستم ضداجتماعی و ضدانسانی اقتصاد سودجوی نئولیبرال که هم‌اکنون هم در دنیا وجود دارد سرمایه‌داری انسان‌محور یا سویال دموکراسی است که در اسکاندیناوی و برخی از کشورهای اروپایی و اقیانوسیه می‌بینیم. در بحران کرونا آمریکا به‌رغم ثروت و قدرت فناورانه خود به‌دلیل داشتن اقتصاد نئولیبرال و سرمایه‌داری ضداجتماعی و اتکاء بر نخبه‌گرایی و بی‌توجهی به فرهنگ عمومی و تقویت نظام بهداشت عمومی، بزرگ‌ترین ضربه را از کرونا خورده است.

فکوهی تصریح کرد: در کشورهایی مثل سوئد، آلمان، نیوزلند و حتی اسکاندیناوی سیستم‌های بهداشتی مناسب و پوشش اجتماعی وجود دارد که به‌قدری غیرمتمرکز است که دسترسی‌ها را به حداکثر می‌رساند و فقر رسانه‌ای و فرهنگی را به حداقل رسانده است. در برابر این کشورها کشورهای دیگری که در طول سال‌های اخیر سیاست‌های نئولیبرالی پیش گرفته و بهداشت عمومی را نادیده گرفته و نقش دولت را کم‌رنگ کرده بودند، وضعیت بسیار نامناسب‌تری دارند، مثل: ایتالیا، اسپانیا و آمریکا.

**از درآمد نفت استفاده نادرست کرده‌ایم**

وی در ادامه با اشاره به وضعیت ایران، تصریح کرد: آنچه که می‌توان در سیستم دید از سال‌های پس از جنگ و حتی قبل‌تر از آن، گرایش به سمت نوعی از اشرافی‌گری و تغییر سبک زندگی از سوی جامعه است. در تاریخ معاصر این وضعیت از دوره پهلوی دوم و افزایش درآمدهای نفتی شروع شد که مردم ما سبک‌های ساده زندگی خود را تغییر دادند و به نوعی به لوکس کردن آن رسیدند، ولی وضعیت تا امروز ادامه یافته و حتی ما در شرایط کنونی که کشور زیر فشار تحریم است نیز می‌بینیم که برخی از اقشار جامعه حاضر نیستند از سبک زندگی لوکس دست بردارند.

وی ادامه داد: اکثریت نیز در استفاده از منابعی مثل آب، برق، گاز، و غیره اصولاً صرفه‌جویی نمی‌کنند که این امر به روشنی به ما ضربه خواهد زد. فکوهی عنوان کرد: درآمد نفتی در کشور ما می‌توانست و می‌تواند یک نعمت بزرگ باشد، اما به‌جای آن سبب شد ما سبک زندگی خود را تغییر دهیم در حالی که باید از آن برای شکوفاکردن اقتصاد، حمایت از محیط‌زیست و رشد سیستم‌های رفاه اجتماعی استفاده می‌کردیم به‌سمت الگو نادرست، یعنی اقتصاد نئولیبرالی و سودجویانه پیش رفته‌ایم. در الگو سرمایه‌داری نئولیبرالی فقر و اختلاف طبقاتی زیاد شده و از این دوران باید عبرت بگیریم.

وی تصریح کرد: کشوری مثل آمریکا به‌سمت خصوصی‌سازی و کوچک‌سازی دولت پیش رفت، اما اولویت دادن به خصوصی‌سازی در جهان سوم وضعیت بدتری ایجاد کرده است.

**کرونا واکنشی از طرف کره‌زمین است**

این استاد دانشگاه گفت: باید از فاجعه کرونا درس بگیریم و برنامه‌ریزی کنیم و به‌سمت حل مسئله برویم. ما نباید منفعلانه برخورد کنیم در صورتی که فعالانه برخورد کنیم می‌توانیم در جهان پساکرونا از این فرصت برای گسترش نظام‌های اخلاقی در آشتی با طبیعت و با کاهش تنش و خشونت میان انسان‌ها، یعنی صلح استفاده کنیم.

وی خاطرنشان کرد: برای اولین بار در تاریخ مدرن به‌دلایل مختلف با فاجعه‌ای روبرو هستیم که تمام کره‌زمین را در درگیر کرده است و بسیاری از افراد را تهدید می‌کند. خطری که امروز جهان را تهدید می‌کند صرفاً تسخیرات اتمی نیست، بلکه خطرات بزرگی نیز ناشی از بازی ما با آتش از خلاء دستکاری و فشار بر طبیعت و... است و فشارهایی که سبک زندگی انسان‌ها به طبیعت وارد می‌کند بدون پاسخ نمی‌ماند و این ویروس واکنشی از طرف کره‌زمین است.

فکوهی در پایان گفت: به قول فیلیپ دسکولا استاد انسان‌شناسی کلژ دو فرانس رابطه انگلی انسان با کره‌زمین و طبیعت همان‌طوری است که کرونا با انسان‌ها رفتار می‌کند و بیولوژی و انسان‌ها را نابود می‌کند تا خود را تکثیر کند و باید از این وضعیت خارج شویم و به یک نوع اخلاق زیستی برسیم.

از مشاغل که ضعیف‌ترین قشر جامعه را تشکیل می‌دهند باید کار کنند. در مقابل کسانی که در گروه‌های اجتماعی در طبقه‌بندی مشاغل بالاتر هستند برخلاف فقرا امکان قرنطینه را دارند، زیرا می‌توانند دورکاری کنند و از طریق شبکه کار خود را انجام دهند. این بدان معنا است که در خط نخست خطر کسانی قرار دارند که کمترین درآمد و امکانات را دارند که از خود دفاع کنند و این‌جا دولت‌ها و سازمان‌های مدنی هستند که باید از آن‌ها حمایت کنند.

وی ادامه داد: ویروس ایدز از آمریکا شروع شد، اما بعد از چند سال یک ویروس جهان‌سومی شد و در قاره آفریقا شیوع پیدا کرد، زیرا آفریقای سیاه کمترین امکانات را داشت.

فکوهی با بیان اینکه نابرابری در داخل کشورها و سیستم‌های مختلف وجود دارد، اظهار داشت: سیاه‌پوستان در آمریکا به‌دلیل نژادپرستی و فقر، در ناسالم‌ترین وضعیت جسمانی و زیستگاهی قرار دارند و بیشترین قربانی را داشته‌اند، بنابراین این ویروس بیشتر فقرا را قربانی می‌کند مگر آنکه اقدامات متمرکزی برای آن‌ها انجام گیرد و البته تا زمانی که شاید واکسن بیماری کشف شود.

**در برابر فقر مسئولیت داریم**

این استاد دانشگاه ادامه داد: جهان پس از کرونا جهانی لزوماً کاملاً متفاوت، اخلاقی‌تر و بهتر نخواهد بود، زیرا پیش از کرونا نیز نسبت به خطرات ویروسی و نظامی‌گری هشدار داده شده، اما توجهی به آن‌ها نشده است. می‌گویم لزوماً، زیرا اگر جهانی بهتر بخواهیم که ممکن هم هست باید خود در جهت تحقق آن با تغییر سبک زندگی و بهتر کردن رابطه‌مان با طبیعت و با یکدیگر اقدام کنیم. در نتیجه نیاز است نابرابری‌ها و بی‌عدالتی‌ها را کاهش دهیم تا فقر کاهش یابد و فشار بر طبیعت را نیز با تغییر روش‌های مصرف کاهش دهیم.

وی تصریح کرد: در جوامع می‌بینیم برخی مردم با تمامی امکانات رفاهی از قرنطینه ناراحت و متنفر هستند و حتی دیدیم که در آمریکا طرفداران ترامپ در میشیگان و ویرجینیا و جاهای دیگر اسلحه به‌دست در خیابان ریخته‌اند و می‌گویند آزادی‌مان را می‌خواهیم، بی‌آنکه توجه کنند در خود این کشور و در سراسر دنیا میلیون‌ها نفر آواره‌هایی هستند که حتی سقفی بالای سرشان ندارند، بنابراین می‌بینیم در جهانی اغلب بدون اخلاق و نابرابر زندگی می‌کنیم و ثمره نابرابری می‌تواند به مثابه یکی از منشاءهای اصلی مشکلاتی مثل کرونا باشد.

## نقدی پیرامون تعدیل و اخراج کارکنان کانون جهانگردی و اتومبیلرانی

# امنیت شغلی کجاست؟



**جهانگیر مصلی - خبرنگار:** رهبر معظم انقلاب چندی قبل با تاکید بر رعایت حقوق کارگران نسبت به دستمزد عادلانه، پرداخت منظم و بدون تاخیر و ثبات اشتغال یعنی «امنیت شغلی» تاکید کردند. پیشتر نیز ایشان بارها بر امنیت شغلی کارگران تاکید کرده و شنیدن گزارش‌های امیدبخش از تولید را شیرین و جذاب خوانده بودند. آنچه باعث اشاره به این موضوع شد وقایع تلخی است که این روزها در کانون جهانگردی و اتومبیلرانی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یکی از هلدینگ‌های اقتصادی و بین‌المللی وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی می‌گذرد. این کانون که پیشتر در دل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی روزهایی آرام را می‌گذراند، یک‌باره در دهه ۹۰ با الحاق به وزارت میراث فرهنگی، دچار دگرگونی‌های زیادی شد تا جایی که اینک در خطر از دست‌دادن کلیه سرمایه‌های انسانی و اقتصادی است.

اخراج اخیر کارکنان پیشکسوت و متخصص کانون جهانگردی و اتومبیلرانی و ایجاد شایعات روزافزون برای تعدیل دیگر پیشکسوتان و کارکنان باقی‌مانده توسط مدیری تازه منصوب که به‌طور طبیعی این روزها باید مشغول مطالعه بر روی نحوه مقابله با بحران کرونا، توسعه اقتصادی و سرمایه‌گذاری و استفاده از توان تخصصی کارکنان پیشکسوت بود، اما تمام هم و غم خود را معطوف به پاک‌سازی کانون از نیروهای باسابقه کرده است، نویسنده را بر آن داشت تا در این نوشتار مستقیماً با دکتر مونسان که ریاست عالی مجمع این کانون را بر عهده دارد، فرآیندی از توصیه‌های سیاسی سیاستمداران بزرگ و فزاینده‌ای از بیانات امامان معصوم را در خصوص حقوقی که کارمندان و کارگزاران بر ذمه مدیران و حاکمان دارند، آن‌م در شرایط اقتصادی حاکم بر کرونا و سالی که از سوی مقام معظم رهبری به‌عنوان سال جهش تولید نام‌گذاری شده است، بازخوانی کنیم.

### موضوع و آبشخور فکری این رویداد تلخ از کجا نشأت گرفته است؟

در اواخر سال گذشته کانون جهانگردی و اتومبیلرانی اقدام به تعدیل و اخراج برخی کارکنان با سابقه خود کرده است. این افراد نیز در نامه‌ای به وزیر میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری و سایر مقامات، خواستار احقاق حقوق خود شده‌اند، اما ظاهراً نه تنها به این امر از سوی دستگاه‌های نظارتی و بازرسی رسیدگی نشده، بلکه به ادعای برخی مدیران و کارشناسان کانون، شایعه و شائبه تعدیل مابقی نیروها نیز به‌دلیل عدم برخورداری از قرارداد، در حال قوت گرفتن است.

شدت انتقادات رسانه‌ای به‌جایی رسیده که امام جمعه اسلام نیز به این امر واکنش شدیدی نشان داده و از این امر به‌عنوان قلع و قمع پیشکسوتان توسط مونسان در سال جهش تولید و اهتمام مردم به آسیب‌دیدگان یاد کرده و خواهان توضیح وزیر شده است.

انتظار از دکتر مونسان که به‌متشروع و متدین‌بودن شهره شده است، ورود فوری به این امر، صدور دستورات لازم برای بازگشت نیروهای کانون و ارائه یک برنامه راهبردی برای تثبیت قرارداد نیروها و برخورد با افرادی است که برخلاف نظر صریح مقام معظم رهبری و رییس‌جمهور در شرایط کنونی با این قبیل امور شیرازه اداری کارکنان یک نهاد بین‌المللی را گسسته، انگیزه کار و تولید را از بین برده و هزینه‌های زائد برای نظام و دولت تدبیر و امید درست می‌کنند.

کتاب مشهور سیر الملوک در خصوص تبیین وظایف پادشاه و وزیرانش در امور مختلف مملکت‌داری برخوردار از سخنان نغزی است که می‌تواند راهنما و فصل‌الخطاب این روزهای کاری وزارت میراث فرهنگی قرار گیرد.

نویسنده در کتاب نفیس خود در ابتدای بحث، نگاه مدیریتی را با شمه‌ای از نگاه پیامبر خاتم درباره مدیرانش آغاز می‌کند که

جاری را با تثبیت قرارداد مرتفع نماید. طبق شواهد موجود به‌زودی این کرونای منحوس نیز رخت برخواهد بست و کانون دوباره به روزهای اوج اقتصادی نزدیک خواهد شد. تا جایی که باخبریم دکتر مونسان در جهان سیاست و رسانه به صداقت و کیاست شهره‌اند. حیفاست که این نام وزین با از بین رفتن سرمایه انسانی کانون گره بخورد. سیره رسول مکرم اسلام حضرت محمد(ص) در زمان تصدی ایشان بر امت اسلامی الگویی پر بار برای مدیران ما بوده و امام علی(ع) نیز در فرمان تاریخی خود به مالک اشتر نخعی، اصول مدیریت اسلامی را به تفصیل بیان نموده‌اند که سراسر آن پر از توصیه و پند در خصوص اهتمام حاکمیت به حمایت از کارگزاران است.

از ویژگی‌های مدیریت کارآمد به‌خصوص در مدیریت اسلامی، رعایت حقوق هم‌قطاران و فرودستان است، چراکه اهتمام به کارگزاران نظام باعث افزایش انگیزش در بین نیروها شده و به تعالی خدمات می‌انجامد.

امام علی(ع) در این خصوص می‌فرمایند: «مدیر و رهبر عادل و منصف، پاسدار الهی در زمین است. پس در کارهای کارگزاران، کاوش و رسیدگی کن و بازرسی‌های راست‌کار و وفادار بر آنان بگمار، نباید نیکوکار و بدکار نزد تو به یک‌پایه باشند که این امر نیکوکار را از نیکوکاری بی‌رغبت و بدکاران را به بدی وامی‌دارد و هر یک از ایشان را به آنچه گزیده است جزا بده.

### مدیریت کانون به چه موازینی نیاز دارد؟

کانون جهانگردی و اتومبیلرانی اینگونه که در سایت اطلاع‌رسانی خود ذکر کرده، در حوزه‌های صدور گواهینامه بین‌المللی، امدادخودرو، گردشگری و اقتصادی و سرمایه‌گذاری فعالیت دارد. این نهاد به موجب قانون ایجاد شده و درآمدهای آن نیز مهمل قانونی دارد. لذا این مهمل ایجاب می‌نماید که مولای پرهیزگاران(ع) در نهج البلاغه که جامع‌ترین دستور و منشور برای سیاست و مدیریت و ترسیم اصول اساسی و ویژگی‌های مدیریت اسلامی است، در عهدنامه خود به مالک اشتر درباره انتخاب مدیران لایق این‌گونه توصیه می‌کند: برای هر یک از کارها رییس و مدیری انتخاب کن، مسئولی که کارهای بزرگ او را مغلوب نسازد و زیادی کارها وی را پریشان و خسته نکند. حسین اربابی مدیر جدید کانون، به‌جز مدیریت محلی در شیراز، سوابق اداری خود را از رهگذر حضور در وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی به‌دست آورده است. انتظار از این مدیر جوان این بود که وی در ابتدای ورود به کانون با مدیران و کارکنان پیشکسوت، نشست‌های منظمی برگزار نموده و کانون را با درایت از بحران اقتصادی و کرونا عبور می‌داد، اما نه تنها چنین نشد، بلکه با توجه به تعجیل‌های صورت گرفته در مواجهه با کارکنان، ظاهراً کار از دست او نیز رها شده است.

انتظار از یک مدیر تازه منصوب، انجام مطالعات لازم جهت شناخت

در صورت تامل وزرا و مدیران ارشد کشورمان، منافع زیادی برای سیستم مدیریتی خواهد داشت. در بخشی از این کتاب آمده است: «در خبر از پیغامبر، صلی ... علیه، چنان است که هر که را روز قیامت حاضر کنند، از کسانی که ایشان را بر گروهی از مردم ریاست و فرماندهی و حکمرانی داشته، دست‌های او بسته بود. اگر عادل بوده باشد، عدلش دست او را گشاده کند و به بهشت رساند و اگر ظالم بود، جورش همچنان بسته، با غل و زنجیر به دوزخ افکند».

این توصیه مهم و ارزشمند، از آن روی بسیار مهم می‌نماید که نویسنده متن، خود یکی از کسانی بوده که به عنوان وزیری مقتدر هم بر شماری از زبردستان فرمان می‌رانده و هم در خدمت کسی بوده که پادشاهی و حکمرانی بر شمار زیادی از مردمان ایران بزرگ سده پنجم هجری در ید قدرت و اختیار او بوده است.

### وظیفه اصلی وزرا تامل و ارزیابی عملکرد مدیران است

از ابتدای تاریخ شکل‌گیری کانون از سال ۱۳۱۴ تعدیل و اخراج این همه کارمند اصلاً مسبوق به سابقه نبوده است، هرچند که در دولت دهم در حق برخی کارکنان جفاهایی صورت گرفت، اما به مصداق «الملک یقی بالکفر و لایقی بالجور»، سرانجام آن مقام «امر و مجری آن دستور» در زندگی شخصی و اداری عاقبت بخیر نشدند. دستگیری و زندان و انفصال از خدمات دولتی هر دوی آن مقامات سابق در این داستان، فقط بخشی از این ماجرا بوده است.

جناب دکتر مونسان، وظیفه شما پدری برای زبردستان کانون است، تا دیر نشده جبران مافات نمایید. از آن جایی که این نوشته بنای هیچ قضاوتی را در این نوشتار نداشته و تنها به‌عنوان یک خبرنگار در صدد روایت ماجراست، از دکتر مونسان درخواست می‌نماید تا با ارائه یک برنامه جامع، نگرانی کارکنان کانون از نداشتن قرارداد را در سال







خواهد شد. به خصوص در حوزه دوری از ظلم به کارمندان و ایجاد قسط و عدالت که امروز بیش از هر زمان دیگر به خصوص در نظام جمهوری اسلامی ضرورت این موضوع احساس می‌شود، زیرا نظام مقدس جمهوری اسلامی برای رسیدن به اهداف و آرمان‌های جدید خود نیازمند نیروهای متخصص و کاردان است که دارای ویژگی‌های تعهد و عدالت‌خواهی باشد که اگر این خلاء ایجاد شود، نظام اسلامی با چالش‌های اجرایی و قانونی روبرو می‌شود.

دین مبین اسلام برای عاقبت‌نگری در کارها که در واقع نوعی نگرش بر آینده است و از اصل آینده‌نگری سرچشمه می‌گیرد اهمیت فراوانی را قائل است. لذا بخشی از موفقیت‌های مدیر به این موضوع بستگی دارد که برای آینده تا چه مقدار برنامه‌ریزی و فکر کرده است؟

یکی از نتایج عاقبت‌اندیشی و آینده‌نگری مدیران در سازمان‌ها، آرامش خاطر و جلوگیری از پشیمانی به خصوص پس از پایان خدمت است. حضرت علی (ع) می‌فرمایند: «عاقبت‌اندیشی پیش از شروع کار، تو را از پشیمانی در امان نگه می‌دارد.»

این اشارت می‌تواند راهگشای نگاه ما به این قبیل افراد باشد که برای تثبیت مدیریت خود می‌توانند هر عملی از جمله اخراج کارکنان پیشکسوت را رقم بزنند. اما جهان، دار مکافات است.

سازمان‌های خصوصی دارای اهمیت بسیار می‌باشد. به‌منظور انتخاب اصلح، باید معیارهایی وجود داشته باشد تا مدیران و کارگزاران با آن معیارها سنجیده و ارزیابی شوند.

امام علی (ع) سوابق کاری افراد را در گزینش مدیران دقیقاً مورد توجه قرار می‌داد. در این مقام نیز در سطور بالا درباره ویژگی‌های مدیر اسلامی نکاتی مورد توجه قرار گرفت.

امام سجاد (ع) درباره حقوق زیردستان می‌فرماید: «ما حق زیردستان حکومت آن است که بدانی آن‌ها به‌خاطر ضعف خود و نیرومندی تو رعیت گشته‌اند. پس بر تو واجب است که درباره آنان به عدالت رفتار کنی و برای آنان مانند پدری مهربان باشی و خطاهای آنان را که جاهلانه مرتکب شده‌اند ببخشد و همچنین در مقابل کیفر بدی آن‌ها شتاب نکنی و خدا را به‌واسطه قدرتی که به تو داده است شکرگزار باشی.»

کمی بیشتر از یک سال دیگر دولت تدبیر و امید در عمل، صندلی ریاست‌جمهوری را به دولتی همسو یا ناهمسو با خود سپرده و وزرا و مدیران ارشد این دولت از جهان سیاست خداحافظی خواهند کرد. کارنامه این مدیران هر چه که باشد، به ضرورت جهان رسانه تا سال‌ها باز خواهد بود و در افکار عمومی و وجدان کاری حرفه‌ای قضاوت

نسبی از توانمندی و ظرفیت‌های یک نهاد قدیمی همچون کانون اتومبیل‌رانی است.

برای پی بردن به این نوع عملکرد، یک‌بار دیگر از نگاه امام علی (ع) شرایط مدیران را بررسی و با شرایط فوق تطبیق می‌دهیم. اگر به شعار «سیاست ما عین دینت ماست» اعتقاد قلبی داریم باید در سیاست‌های خود تجدیدنظر نموده و در این ماه مبارک رمضان که ماه استجابت دعاست، با بازگشت کارمندان به کانون و تثبیت شغلی آن‌ها، شیرینی این ماه را دوچندان نماییم.

ویژگی‌های یک مدیر لایق را می‌توان از نامه امام علی (ع) به مالک اشتر به‌دست آورد. در ذیل به برخی از این ویژگی‌ها اشاره می‌گردد.

\* مدیر خود را بنده خدا دانسته، خداترس و متقی باشد.

\* مدیر باید عادل، میانه‌رو در حق بوده و منافع عوام را بر منافع خواص ترجیح دهد.

\* مدیر باید بر کار کارگزاران نظارت دقیق داشته باشد.

\* مدیر باید برنامه‌ریزی داشته باشد و کار امروز را به فردا نیندازد.

\* مدیر باید در عزل و نصب کارگزاران از آزمایش و خطا بپرهیزد.

### وظیفه وزرای اسلامی در خصوص کارکنان

ما شیفتگان خدمتیم و نه تشنگان قدرت. حتماً این جمله شهید مظلوم بهشتی را بارها شنیده و خوانده‌ایم. مدیریت در مکتب اسلام برخلاف دیگر مکاتب، ارزش‌های نسبی و متعلق به زمان خاص نیست. هدف مدیریت در نظام اسلامی رضایت الهی و خدمت به مردم و حضور با مردم و در میان مردم بودن جهت رضایت خداوند متعال است.

امام علی (ع) می‌فرماید: «در مورد وضع معیشتی آنان توسعه و گشایش بخش، زیرا این روش آنان را بر اصلاح خود نیرو می‌بخشد و ایجاد انگیزه بر پاک‌سازی خود می‌نماید و از دست درازی به بیت‌المال که در اختیار دارند بی‌نیاز می‌کند.»

از دیگر خصوصیات بارز مدیران و مسئولان این است که از مشکلات و معضلات شخصی و روحی کارکنان خود غافل نمانند. پیشوای نخست ما به مالک اشتر فرموده‌اند: «نگاه به حد وافی نیازمندی‌های آنان را تأمین کن که این خود امکان می‌دهد که در اصلاح خویش بکوشند و از تصرف در اموالی که در اختیارشان می‌باشد بی‌نیاز گردند، حجت را بر آنان تمام می‌کند که عذری برای مخالفت با امر تو یا خیانت به امانت تو نداشته باشند.»

### مدیریت علوی و الگوگیری از رفتار معصومین در برخورد با زیردستان و کارگران

انتخاب مدیران و کارگزاران اصلح چه در بخش دولتی و چه در

اشاره

## چرایی نخبه‌زدایی

نخبه‌زدایی از جامعه به مرحله حاد خود رسیده است و از مرحله حذف لایه لایه نخبگان به حذف خودنخبگی رسیده و اصولاً جدال با علم صورت



محمد آقازاده  
روزنامه‌نگار

جدی به خود گرفته است. نخبه‌ستیزان همه آن‌هایی هستند که چون ظرفیت روانی شایستگی خود را ندارند، حوصله مطالعه، دانش‌اندوزی مدام را ندارند و چون تجربه روانی زیستن با تردیدهای معرفت‌شناسانه را ندارند، امید به نخبه‌شدن را از دست داده‌اند و از این‌رو حذف نخبگان یک کار مداوم و طاقت‌فرسا شده است، حال آن‌ها می‌خواهند زیر آب هر نوع نخبگی را یک‌بار برای همیشه بزنند. قبل از چیز معنای نخبگی را باید روشن کرد، نخبه‌بودن ربطی به هوش ذاتی و ژن‌های وراثتی ندارد و به همین دلیل یک تقدیر نیست، بلکه انتخاب یک راه پرمخاطره و با حد معینی از شکست است و با راحت‌طلبی و استفاده از امتیازها و رانت‌ها به‌دست نمی‌آید. به قول قدیمی‌ها باید دود چراغ خورد، از همه تفریحات ممکن دست شست و در یک علم به مرزهای فراتر از آگاهی ممکن دست یافت.

ما درک انتزاعی و نامفهوم از نخبگی داریم. همین‌طور که یک استاد، یک دانشجو، یک پزشک، یک مهندس، یک زلزله‌شناس، یک هنرمند، یک داستان‌نویس و شاعر و... نخبه محسوب می‌شوند، یک مکانیک کاربلد، یک معلم، یک لوله‌کش، یک رفتگر و... نخبه



ولی شوربختانه آن‌ها که حتی دارای مدرک اصلی هستند و در برابر یک آزمون آسان در رشته تحصیلی‌شان درمی‌مانند کسانی هستند که حتی الفبای رشته‌ای که در آن دکتری گرفتند و حتی استاد دانشگاه شدند را بلد نیستند. یک مشت فرمول‌های از مدافتا و جزوه‌های کهنه‌شده را در ذهن دارند و همتی برای روزآمد کردن خود ندارند. این گروه بیشترین دشمنی را با نخبگی دارند و چون نیروی سیاسی دارند در سرکوب آن از هیچ تلاشی فروگذار نیستند.

به حساب می‌آیند. با این رویکرد، نخبه کسی است که یک مهارت را در اوجش یاد می‌گیرد و در مرحله بعدی با خلاقیت خود، حرفه‌اش را چند قدم بالا می‌برد.

بسیاری از بهترین چهره‌های تاریخی ما در صد سال اخیر، فاقد مدرک دانشگاهی بودند، ولی با سخت‌کوشی به قله‌های مهارت در یک حرفه رسیدند. نخبه‌ستیزان در گام اول، مدرک‌زدگی را جایگزین مهارت کردند و از این‌رو ارائه مدارک تقلبی شتاب گرفت،



**امیرحسین دولتشاهی:** در سال‌های اخیر با گسترش نفوذ فضای مجازی و دسترسی به آن، تلقی خودآگاه یا ناخودآگاه حقارت زبان فارسی در برابر زبان‌های فرنگی با شتاب بیشتری در ذهن و تصور گروهی از اقشار و به‌خصوص جوانان جامعه در حال ریشه دواندن است.

بیست و پنجم اردیبهشت‌ماه را تقویم‌ها به‌نام روز پاسداشت زبان فارسی و بزرگداشت حکیم ابوالقاسم فردوسی ثبت کرده‌اند؛ همان شاعر بزرگی که همه ثروت، جوانی، عمر و سلامتی خویش را در راه حفظ زبان فارسی و فرهنگ و تاریخ ایران زمین در طبق اخلاص نهاد و تقدیم به ایران و ایرانیان کرد. پیش از فردوسی و از پس از او نیز همواره بوده‌اند عاشقانی که نسبت به حراست و مراقبت از زبان شیرین و غرورآفرین فارسی خود را مسئول می‌دانسته‌اند.

حکایت «تاریخ سیستان» از اقدام مهم یعقوب لیث، امیر صفاری سیستان، در سال ۲۵۴ هجری قمری در حفظ و تثبیت زبان فارسی معروف است. آن‌گاه که یعقوب لیث بر شماری از تئمه خوارچ پیروز می‌شود، شاعران، مدح او را به زبان رسمی، ادبی و اداری آن روزگار، می‌سرایند:

قَدْ أَكْرَمَ اللَّهُ أَهْلَ الْمِصْرَ وَ الْبَلَدِ / بَلْمَلِكِ يَعْقُوبَ ذِي الْإِفْضَالِ وَ الْعَدَدِ

چون این شعر برخوانند، او عالم نبود؛ درنیافت. محمد بن وصیف حاضر بود و دبیر رسایل او بود و ادب نیکو دانست و بدان روزگار نام پارسی نبود. پس یعقوب گفت: چیزی که من اندر نیابم، چرا باید گفت؟ محمد وصیف پس شعر پارسی گفتن گرفت... و چون یعقوب، زنبیل و عمار خارجی را بکشت و هری بگرفت و سیستان و کرمان و فارس، او را دادند، محمد بن وصیف این شعر بگفت:

ای امیری که امیران جهان خاصه و عام / بنده و چاکر و مولای و سگ‌بند و غلام

ازلی خطی در عرش که ملکی بدهید / به‌ابی یوسف یعقوب بن لیث همام... این زبان فارسی یا به قول حافظ عزیز «این قند پارسی»، نسل‌ها سینه به سینه از عهدی به عهدی دیگر سفر کرده و خوشی‌ها و غم‌ها دیده و شنیده و روایت کرده تا امروز در اختیار ما قرار گرفته است. زبانی که پس از مسلمان شدن ایرانیان، در خدمت اسلام قرار گرفت، اما توانست هویت مستقل خود را در برابر زبان اداری و دیوانی حاکمان تعیین شده از سوی خلفای بنی‌امیه و بنی‌عباس، حفظ کند؛ زبانی که در برابر ترکان غزنوی و ترکمانان سلجوقی همچنان قد برافراشت و آنان را نیز شیفته خود کرد؛ و زبانی که از سیل ویرانگر هجوم مغول و تاتار نیز به سلامت گذشت. زبانی که در عهد مشروطه نیز گرچه گروهی فرنگ‌رفته یا فرنگی‌ماب، خواسته و ناخواسته با واژگان و اصطلاحات بیگانه تیغ و دشنه بر پیکر آن می‌زدند، اما همچنان سرپا ماند تا خود را به ما امروزیان برساند، تا ما از پس هزار سال بتوانیم بی‌نیاز از هر واسطه تفسیری و هر فرهنگ لغتی، به‌مثل این بیت رودکی، پدر شعر فارسی، را بخوانیم و بفهمیم و از خواندن و فهمیدن لذت ببریم:

هر که ناموخت از گذشت روزگار / نیز نامورد ز هیچ آموزگار

و یا این بیت معروف سعدی را می‌توانیم به تمامی درک کنیم:

من از آن روز که در بند توام آزادم / پادشاهم که به دست تو اسیر افتادم  
اما یک پرسش، آیا ممکن است روزی برسد که ما فارسی‌زبانان همین بیت‌های روان و بی‌نیاز از معناتر کردن را نتوانیم بخوانیم و از فهمیدن معنای آن عاجز باشیم؟ کافی است به رفتار فردی و اجتماعی‌مان در قبال زبان فارسی بیندیشیم.

#### به‌راستی چرا؟

حال بیاییم فارغ از آنچه در سطرهای پیشین آمده است، این چند جمله و عبارت را از نظر بگذرانیم:

«به من مسیح بده»، «یک مواد غذایی بین نیازمندان توزیع شد»، «دو باکس آب معدنی بخر»، «می‌ترسم آلرژی‌م عود کنه»، «از بین آیتم‌ها یکی را انتخاب کنید»، «اوکی! قبول کردم»، «فستیوال فیلم فجر»، «آگهی استخدام ادیتور»، «اسپیکر برای کامپیوتر»، «فلانی آدم اکتیوی است»، «ایریگ اتومبیل»، «از فیسش خوشم آمد»، «پرینتر دست دوم»، «پیچ ما را فالو کنید»، «صفحه‌ای چند ترنسلیت می‌کنید؟»، «فردا تا بام میکاپ دارم»، «توریست‌های چینی»، «برای من هات‌چاکلت سفارش بده»، «باید بلد باشی خوب پزنت کنی»، «ددلاین پرداخت بدهی باشگاه، آخر همین ماه است»، «زکینگ تیم ملی فوتبال ایران در ماه جاری»، «ژورنال‌لیست‌ها خوب این مسائل را بلدند»، «باید منتظر فیدبک این ماجرا باشیم»، «من در فیلم‌های مختلفی تخصص دارم»، «این اکانت، فیک است»، «جواب را برایمان کامنت کنید»، «یک سیو عالی از دروازه‌بان آرژانتین»، «ما به دنبال لیبرهای این تجمع هستیم»، «آموزش مارکتینگ» و «تاچ موبایل از کار افتاده».



### به بهانه روز بزرگداشت حکیم ابوالقاسم فردوسی

## این زبان مظلوم فارسی

شتاب بیشتری در ذهن و تصور گروهی از اقشار اغلب جوان جامعه در حال ریشه‌دواندن است.

از نتایج ظاهری نهادینه‌شدن چنین نگرشی به زبان ملی، این است که می‌بینیم در همه شهرهای کوچک و بزرگ‌مان بر سردر بسیاری از مغازه‌ها و فروشگاه‌ها نام‌هایی غیرفارسی و غیرایرانی و به خط لاتین خودنمایی می‌کند. در تبلیغات کالاهای تجاری، کم‌نمی‌بینیم محصولات تولید ایران را که با نشانه و نام تجاری غربی عرضه می‌شوند تا بهتر به فروش برسند. افرادی حتی در معرفی خویش در صفحه مجازیشان هم استفاده از زبان فارسی را نوعی سرشکستگی می‌پندارند و در کنار اینان، کم نیستند فارسی‌زبانانی که حتی امضایشان نیز به زبان انگلیسی و خط لاتین است! البته در برابر چنین نگرش‌های همراه با بی‌تفاوتی و با وادادگی نسبت به زبان فارسی، بوده‌اند دلسوزان و دلبستانان راستین زبان فارسی که همواره کوشیده‌اند با آگاهی‌بخشی به جامعه و دست‌اندرکاران امور، اهمیت حفظ زبان ملی را یادآور شوند و در راستای حفظ آن بکوشند. برای نمونه، در ادامه بخش‌هایی از آنچه دو تن از دلسوزان زبان و ادب فارسی در دو دوره مختلف، برای حفظ این زبان گوشزد کرده‌اند، آمده است.

#### این وسوسه شیطان است

مرحوم استاد دکتر سیدجعفر شهیدی، یکی از استادان برجسته زبان و ادبیات فارسی و از همکاران اولیه مرحوم استاد دهخدا در تدوین لغت‌نامه دهخدا بوده است. استاد در سخنرانی خویش در انجمن استادان زبان و ادبیات فارسی که در اوایل دهه ۵۰ صورت گرفته، ابتدا بخش‌هایی از چند متن علمی کهن فارسی، همچون «رساله نفس» ابن سینا، «التفهیم لاوائل صناعة تنجیم» ابوریحان بیرونی، «تاریخ بلعمی»، «حدودالعالم من المشرق الی المغرب» و «ذخیره خوارزمشاهی» سیداسماعیل جرجانی را برای حضار می‌خواند و تاکید می‌کند که زبان فارسی، امروز نیز این توانایی را دارد که همچون گذشته، حتی مفاهیم علمی جهان امروز را با واژه‌ها و تعبیرهای فارسی، به فارسی‌زبانان عرضه کند تا نیازی به استفاده از عین واژه بیگانه در زبان فارسی نباشد. بخشی از سخنرانی مرحوم استاد شهیدی را بخوانیم:

...شاید این پرسش یا اعتراض در ذهن بیاید که در آن دوره، تعداد شاخه‌های علم، همچنین مسائل مربوط به هر علم، محدود بود؛ اما با پیشرفت روزافزون علم و به‌خصوص توسعه صنعت در عصر ما چه می‌توان

این جمله‌ها و عبارت‌ها و صدها جمله و عبارت این‌چنینی دیگر که ما فارسی‌زبانان امروزه در گفت‌وگوهای محاوره‌ای یا حتی رسمی‌مان به‌کار می‌بریم، به‌طرز واضحی با فضای کلی زبان فارسی از گذشته تا دو، سه دهه پیش تفاوت دارد. وجه اشتراک همگی آن‌ها نیز در دارا بودن واژه‌هایی از زبانی بیگانه است؛ و دردا و دریغا که برای همه این لغت‌های غیرفارسی، معادل‌های فارسی کاربردی وجود دارد.

آیا به‌واقع نمی‌توان به‌جای «مسیح» از «پیامک» استفاده کرد؟ و یا «سته مواد غذایی» را به‌جای «پک مواد غذایی» به‌کار برد؟ واژه «آرایش» چه ایرادی دارد که به‌جایش از «میکاپ» استفاده می‌کنیم؟ آیا اگر به‌جای «سررسید» یا «مهلت پرداخت» بگوییم «ددلاین»، طلبکار مهلت بیشتری به ما می‌دهد؟ «زده‌بندی» و «بازاریابی» آیا به‌ترتیب مفهوم «رنکینگ» و «مارکتینگ» را نمی‌رسانند؟ اگر در مصاحبه استخدام، به‌جای «زمینه» و «رشته»، از «فیلد» استفاده کنیم، متخصص‌تر به‌نظر خواهیم آمد؟

متأسفانه مصداق‌ها و نمونه‌های فراوان است و خوانندگان گرامی این گزارش اگر کمی تأمل نمایند، خود ده‌ها نمونه از کاربرد واژگان بیگانه دارای معادل فارسی را در زبان امروزیان خواهند یافت.

#### بی تفاوتی یا احساس حقارت؟

نکته غم‌انگیزتر این داستان تلخ، بی‌اهمیت‌بودن ورود چنین بیگانگانی به سرزمین بی‌دفاع‌مانده زبان فارسی است. شماری از ما مردم فارسی‌زبان، گویی دچار نوعی حالت خاص شده‌ایم که کم‌ترین عرق و تعصب و یا دل‌بستگی به زبان تاریخی سرزمین‌مان نداریم. انگار کم‌ترین اهمیتی برایمان ندارد که فارسی حرف بزیم یا انگلیسی یا فرانسه و...

گروهی دیگر نیز هستند که استفاده از واژه‌ها و اصطلاحات فرنگی را نشانه خاص بودن یا به‌روزبودن یا به قول معروف «باکلاس بودن» می‌دانند و به‌عمد اصرار دارند که واژه‌ها و اصطلاح‌های بیگانه بیشتر و متنوع‌تری را در کلام خویش به کار برند تا در امروزی‌بودنشان خللی رخ ندهد و از «کلاس‌شان» سر سوزنی کم نشود. البته این نگرش، خاص امروز نیست و از اواسط عهد قاجاری به این سو که مطبوعات گسترش یافت و روابط با اروپا و بعدها با آمریکا بیشتر شد، این طرز نگرش به زبان فارسی در برابر زبان‌های غربی نیز رفته‌رفته در میان برخی از فارسی‌زبانان رواج گرفت. اما در سال‌های اخیر با گسترش نفوذ فضای مجازی و دسترسی به آن، تلقی خودآگاه یا ناخودآگاه حقارت زبان فارسی در برابر زبان‌های فرنگی با



کرد؟ ما هر روز با یک یا چند مفهوم تازه علمی و جز علمی روبرو می‌شویم؛ مفهوم‌هایی که مصداق عینی و یا ذهنی دارد. این مفهوم‌ها در گذشته نبوده و تازه پیدا شده است، آن هم در کشورهای مغرب زمین... می‌گویند باز هم زبان فارسی توانایی دارد که قالب‌هایی برای این مفهوم‌ها بیابد؛ حقیقت این است که فراوانی این مفهوم‌های روزافزون از یک سو و ناشناختنی یا بی‌اعتنائی ما به زبان خودمان از سوی دیگر، سبب شده است که وحشت‌گونه‌ای ما را بگیرد و یا روشن‌تر بگویم، هرچند گفتن آن را خوش ندارم، عقده حقارتی در ذهن بعضی از ما پیدا شده است که بپندارند امروز دیگر زبان فارسی نمی‌تواند وسیله تعبیر از مقصودهای علمی باشد، ولی یقین داشته باشید که این وسوسه شیطان است، نه نفس رحمان.

ما تنها نیستیم که با علوم و ادبیات مغرب زمین آشنا شده‌ایم و به استفاده از آن نیازمندیم. کشورهای دیگر آسیایی و آفریقایی هم، چنین نیازمندی و یا دشواری را دارند. مصر، هندوستان، ترکیه و کشورهای عربی زبان شمال آفریقا؛ ولی می‌بینیم آنها به‌جای اینکه از این مشکل بهراسند و خود را بیازند، بردباری نشان می‌دهند و فداکاری می‌کنند؛ مفهوم را به عاریت می‌گیرند و معادلی از زبان خود برابر آن می‌نهند. از کشورهای عرب‌زبان نمونه بیاورم. عرب‌ها برای کلمه «تانک» که عینا در زبان ما به‌کار می‌رود، معادلی ساخته‌اند.

تانک در رفتار، همانندی با جانوران سنگین‌وزن و یا کوتاه‌پا دارد که عرب بدان‌ها «جنبنده» می‌گوید. از ریشه «دب» که به معنی جنبیدن است، صفت «دبابه» را گرفتند و برابر تانک گذاشتند. برابر رادیو که کار آن پخش آواز است، از ریشه «ذیاع» کلمه «ذیاع» را ساختند.

طبیعت زبان فارسی چه از نظر ساختمان، چه از نظر پختگی زبان و دیرینگی آن و فراوانی مفردات الفاظ، قابلیت بسزایی برای تعبیر از این مفهوم‌ها دارد. چرا ما برای برطرف کردن نیازمندی خود چنان کاری نکنیم؟ چرا مترجمان و گویندگان و نویسندگان ما از اندک صرف وقتی برای مراجعه به فرهنگ‌ها خودداری می‌کنند؟ چرا برای آسانی کار و یا تظاهر به فرنگی‌مآبی می‌کوشند و واژه‌های فرنگی را به‌کار برند، تا اندک‌اندک برای خود در زبان ما جا باز کنند؟ پیدا است که ساختن واژه‌های علمی کار مترجم و نویسنده نیست، اما به‌راستی زبان ما آن اندازه بی‌نوا است که برای کلمه‌هایی مانند «جک»، «انکدت»، شو، فرانشیز، پرتره، پلان، توریست، رسپشن، ماکت و امثال آن هم معادل ندارد؟»

### جدی گرفتن قابلیت ترکیب‌سازی زبان فارسی

دغدغه حفظ زبان فارسی محدود به سال‌ها و دهه‌های اخیر نیست. از همان عهدی که شعار تجددخواهی بر سر زبان‌ها افتاد، عده‌ای به فکر حراست از زبان ملی در برابر موج برخاسته از تجددخواهی بوده‌اند. آنچه در سطرهای ذیل آمده، بخشی است از نوشته یکی از ادیبان عهد مظفرالدین‌شاه به‌نام میرزاهدی خان. وی در نوشته خویش که در روزنامه حبل‌المتین، از نشریات معروف عهد مشروطه، به چاپ رسیده، با توجه به ویژگی ترکیب‌سازی زبان فارسی، خواهان توجه همگان نسبت به حفظ این زبان در برابر نفوذ واژگان بیگانه شده است و راهکارهای خویش را نیز مطرح کرده است. در بخشی از نوشته میرزاهدی خان آمده است:

هرگاه نظر به اشتقاق الفاظ موجود فارسی کنیم، ظاهر خواهد شد که لغت پارسی دارای این قابلیت است که اسمای تازه برای اشیای جدیده وضع و جعل کنیم و این کار را بر اصولی که در دست است، می‌توان جاری نمود. مثلاً آکسیجن «ماده‌ای است هوایی و در علم کمستری که در فرانسه آن را شیمی گویند، محقق شده که علت تکوین حموضت، یعنی ترشی است و از اشتقاق لفظش که در اصل یونانی است، ظاهر است که به معنی ترشی‌زاینده می‌باشد؛ و در تراجم کتب کمستری در مصر، آن را مُؤَلَّد الحَمْوضَة نام نهاده‌اند. اگر ما از لفظ ترشی و انگلیختن، اسمی مرکب کنیم، مثل تُشَنگَر... مطابق با قواعد قدیمه خواهد بود به معنی ترشی‌انگیز. همچنین برای هیدروجن «که نیز ماده هوایی است و تکوین و تولید آب می‌کند و در ترجمه عربی، آن را مُؤَلَّد المَاء گفته‌اند، لفظ آبَنگیز بتراشیم، یعنی آب‌انگیز... لفظی مختصر و خوش وضع می‌شود. ماده هوایی نیتروجن که مُؤَلَّد الشَّوْرَه ترجمه آن است، برایش لفظ شُرَنگَر بر وزن تُشَنگَر وضع کنیم، یعنی شوره‌انگیز، مقصود حاصل می‌شود و اهل انصاف خود انصاف دهند که آیا این الفاظ مختصرتر از الفاظ مُؤَلَّد المَاء، مُؤَلَّد الحَمْوضَة و مُؤَلَّد الشَّوْرَه می‌باشند یا نه؟ صورت الفاظ مذکوره نیز به پارسی می‌ماند و بدین طریق هزارها لفظ می‌توان تراشید و زبان را وسعت داد.»

البته مرحوم میرزاهدی خان، در سخن خویش این احتمال را هم داده است که شاید این رویه پیشنهادی او برای معادل‌سازی در زبان فارسی با اعتراض‌هایی روبرو شود؛ به‌همین دلیل، کمی هم درباره پیشینه این شیوه در زبان فارسی توضیح داده است. وی یادآور شده است که آنچه

او پیشنهاد داده، نه تنها بدعت به‌شمار نمی‌آید، بلکه طریقه قدیم است که حالا متروک شده و غرض از تحریر، این است که باز همان طریقه دیرینه را جاری نماییم. در تایید این طریقه الفاظی چند را می‌نگاریم تا خرده‌گیران را موقع نکته‌چینی باقی نماند.

مثلاً لفظ پُژواک که به معنی صدایی است که از کوه یا گنبد بیرون می‌آید، اصلش پُژ به معنی پس است، چه سین و زا و ژای پارسی با هم تبدیل می‌یابند، و واک در زبان قدیم پارسی به معنی صدا است و معنی ترکیبش پس‌آمدن صوت شد. یا مثلاً در لفظ میگو به معنی روبیان که آن را جَرَادُ البَحْر گویند... در اصل میگ‌آو بوده، یعنی ملخ آبی و به‌تدریج الف حذف شده، میگو شد... یا در لفظ سوار به معنی راکب، اصلش اشوبار بوده است؛ اشو... در زبان سنسکریت و پارسی باستان و زند به معنی اسب است و بار به معنی راکب و سنگینی و مجموع، به معنی آن که یا آنچه بر اسب باشد. اشوبار، اشوبار و به‌تدریج آسوار شد و الحال سوار، مخفف آسوار مروج است.

از این‌رو صدها لفظ در پارسی موجود است که اشتقاقش را می‌توان دریافت کرد و همچنین صدها بل هزارها لفظ است که زحمت کشیده، اشتقاقش را باید پیدا کرد و این زحمتی است که بی‌سود نخواهد بود و توسیع کلی در زبان پیدا خواهد شد.»

### برگی از کلیله و دمنه

آنچه در قالب این نوشته از نظر خوانندگان ارحمند گذشت، تلنگری است برای یادآوری وظیفه ملی و تاریخی تک‌تک ما نسبت به زبانی که سال‌ها و سده‌ها، میراثی گران‌بها را برای ما پدید آورده است و ای کاش قدر بدانیم میراث ادبی بی‌ظیرمان را که از گوشه و کنار تاریخ، در قالب نسخه‌های خطی فارسی به دست‌مان رسیده است. بخشی از این میراث با کوشش‌ها و مجاهدت‌های عالمانه دوستداران زبان فارسی و فرهنگ ایران اسلامی، به چاپ رسیده و منتشر شده است. اگر ما جزو آن دسته از فارسی‌زبانانی باشیم که حفظ زبان ملی هنوز جزو دغدغه‌هایمان درنیامده، شاید با جدی‌تر گرفتن مطالعه میراث ادبی سرزمین عزیزمان، کم‌کم نسبت به حفظ زبان شیرین، تمدن‌ساز و البته مظلوم فارسی توجه و التفات بیشتری پیدا کنیم.

### ارجاع‌ها:

تاریخ سیستان

دیوان رودکی سمرقندی

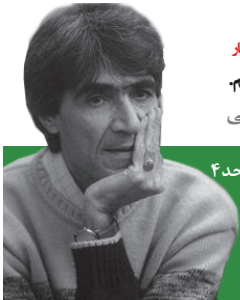
غزل‌های سعدی

قابلیت زبان فارسی

گلچینی از دیرینه‌ها





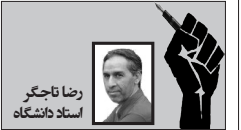


● آدرس: تهران - خیابان مطهری - خیابان میر عماد - کوچه نهم - پلاک ۳ - واحد ۴  
● تلفن: ۸۶۰۴۳۱۱۲  
● چاپ: نقش افست گرافیک  
● پست الکترونیک: ayatemandegar@yahoo.com

● صاحب امتیاز و مدیر مسئول: محمد آیتی  
● سردبیر: امیر حسین مصلی  
● مدیر هنری: عالیله اعتمادیان  
● وب سایت: www.ayatemandegar.ir

سرمقاله

## کودکان کار را در خانه دریابیم



انگار تلویزیون، خواسته یا ناخواسته، دقیقاً بیست و پنج دقیقه کودک کار شدن را مجاز می‌شمارد.

شب‌شب، تلویزیون، تبلیغ یک محصول صنعتی را پیش از نمایش قسمتی از مجموعه تلویزیونی «سرباز»، نشان داد که مورد منکراتی داشت. همان موقع، به ذهن نگارنده رسید که زنگ بزند به ۱۲۳ یعنی سامانه اورژانس اجتماعی، همان خط یک، دو، سه! و به مرکز فوریت‌های اجتماعی سازمان بهزیستی کشور اعلام گزارش کند که باید به تلویزیون، به اصطلاح یک تذکر آیین‌نامه‌ای داد مبنی بر این که چرا برخلاف آن مقرر رفتار کرده است که تصریح می‌دارد؛ «در تبلیغات، استفاده از کودکان برای معرفی کالا و خدماتی که انتظار مصرف کالا یا بهره‌مندی از خدمت یا خرید آن توسط ایشان نمی‌رود، ممنوع است.»

به یقین، هیچ کودکی، دغدغه‌اش، خرید یخچال و فریزر و تلویزیون و سایر محصولات و لوازم خانگی، نیست. در آن تبلیغ نشان می‌دهد که کودک، مورد بی‌توجهی و کم‌لطفی والدین خود قرار می‌گیرد، پس، به فکر چاره می‌فتد تا این کم‌محبتی پدر و مادرش را تا حدودی جبران کند؛ زباله‌های خانه را جمع‌آوری می‌کند و دو، سه کار دیگر را نیز در ظرف زمانی بیست و پنج دقیقه انجام می‌دهد و با زمان‌بندی مشخص به پدر و مادرش ثابت می‌کند که حالا دیگر بهانه‌ای ندارند و بایستی به حرفش گوش کنند.

مسئله این است که کاراکتر و شخصیت اصلی این تبلیغ تلویزیونی، کودکی است که کارهای پدر و مادرش را انجام می‌دهد؛ حال آن که انجام این قبیل امور، وظیفه والدین است و در خوش‌بینانه‌ترین حالت، کودکان را بهتر است حسب مورد، تشویق به کمک در انجام امور خانه کرد.

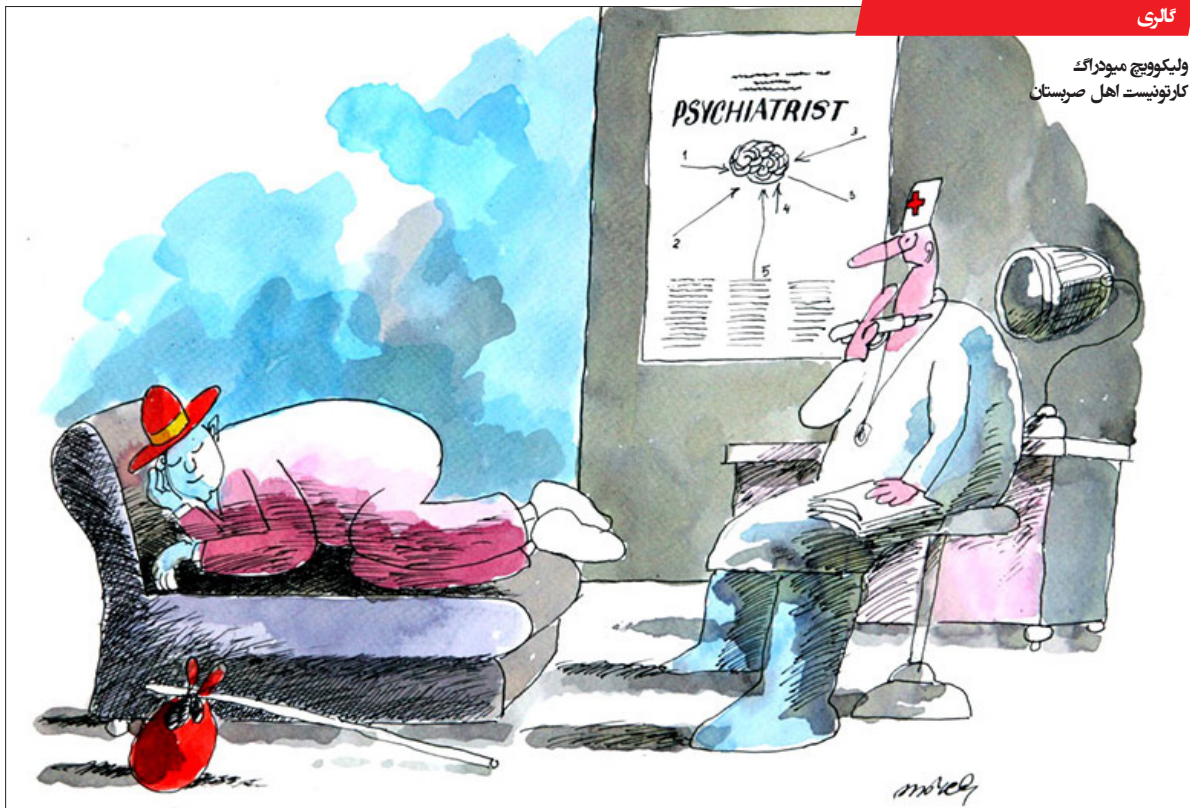
این یادداشت، عامدانه، کوتاه نوشته شده است تا موثر افتد و «صدا و سیما» توجهی جدی داشته باشد بر تبلیغات، زیرا که در هر شرایطی و در هر لحظه‌ای از زمان‌های پخش برنامه‌های رادیو و تلویزیون، فعالیت ناظر پخش هر شبکه و از آن مهم‌تر، سیاست‌های کلان و جزء برخاسته از تصمیمات شورای نظارت بر سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، زیر ذره‌بین قضاوت افکار عمومی و شنوندگان رادیو و بینندگان تلویزیون است.

نظر به این که نه فقط شب‌شب، تلویزیون، تبلیغ یک محصول صنعتی را پیش از نمایش قسمتی از مجموعه تلویزیونی «سرباز»، نشان داد که مورد منکراتی داشت، بلکه این تبلیغ در یک شب‌شب هم تکرار شد، نگارنده، این تذکرها را نوشت؛ زیرا یکی از بهترین معروف‌ها، دعوت دیگران به احترام کردن به قانون است و از آن جاکه قانون‌گریزی، منکر و ناپسند است، نهی دیگران از قانون‌گریزی نیز یکی از معروف‌ها است.



نگاری

ولیکوویچ میوراگ  
کارتنیست اهل صربستان



یادواره

## نگاهی به زندگی‌نامه شیخ بهایی

### عارف عالم

شیخ بهاء‌الدین محمدبن حسین عاملی معروف به شیخ بهایی دانشمند به‌نام دوره صفویه است. اصل وی از جبل عامل شام بود. بهاء‌الدین محمد ۱۰ ساله بود که پدرش عزالدین حسین عاملی از بزرگان علمای شام به سوی ایران رهسپار گردید و چون به قزوین رسیدند و آن شهر را مرکز دانشمندان شیعه یافتند، در آن سکنی گزیدند و بهاء‌الدین به شاگردی پدر و دیگر دانشمندان آن عصر مشغول گردید.

مرگ این عارف بزرگ و دانشمند را به سال ۱۰۳۰ و با ۱۰۳۱ هجری در پایان هشتاد و هفتمین سال حیاتش ذکر کرده‌اند. وی در شهر اصفهان روی در نقاب خاک کشید و مریدان، پیکر او را با شکوهی که شایسته شان او بود به مشهد بردند و در جوار حرم هشتمین امام شیعیان به خاک سپردند.

شیخ بهایی مردی بود که از تظاهر و فخرفروشی نفرت داشت و این خود انگیزه‌ای برای اشتها خالص شیخ بود. شیخ بهایی به تایید و تصدیق اکثر محققین و مستشرقین، نادر روزگار و یکی از مردان یگانه دانش و ادب ایران بود که پرورش‌یافته فرهنگ آن عصر این مرز و بوم



و از بهترین نمایندگان معارف ایران در قرن دهم و یازدهم هجری قمری بوده است. شیخ بهایی شاگردانی تربیت کرده که به نوبه خود از بزرگ‌ترین مفاخر علم و ادب ایران بوده‌اند، مانند فیلسوف و حکیم الهی ملاصدرا شیرازی و ملاحسن حنیفی کاشانی و عده‌ای دیگر که در

فلسفه و حکمت الهی و فقه و اصول و ریاضی و نجوم سرآمد بوده و ستارگان درخشانی در آسمان علم و ادب ایران گردیدند که نه تنها ایران، بلکه عالم اسلام به‌وجود آنان افتخار می‌کند. از کتب و آثار بزرگ علمی و ادبی شیخ بهایی علاوه بر غزلیات و رباعیات، دارای دو مثنوی بوده که یکی به نام «نان و حلوا» و دیگری «شیر و شکر» می‌باشد و آثار علمی او عبارتند از «جامع عباسی، کشکول، بحرالاحساب و مفتاح الفلاح والاربعین و شرع القلاف، اسرارالبلاغه والوجیزه». سایر تالیفات شیخ بهایی که بالغ بر ۸۸ کتاب و رساله می‌شود همواره کتب موردنیاز طالبان علم و ادب بوده است.

شعرخوانی



گر نمی‌روید گلی خاری کجاست  
جان فدای یار کردن هست سهل  
کاشکی یار بسی یاری کجاست  
در جهان عاشقی بینم همی  
یک جهان بی‌کار با کاری کجاست

انوری

در همه عالم وفاداری کجاست  
غم به خروارست غمخواری کجاست  
درد دل چندان که گنجد در ضمیر  
حاصلست از عشق دلداری کجاست  
گر به گیتی نیست دلداری مرا  
ممکن است از بخت دل‌باری کجاست  
اندرین ایام در باغ وفا